



فصلنامه حرفه‌ای (علمی - ترویجی) فقه پویا



بنیاد حامیان دانشکده تهران



این فصلنامه با حمایت بنیاد علمی آموزشی قلمچی و بنیاد حامیان دانشگاه تهران منتشر می‌شود

صادرکننده مجوز: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

مدیر مسئول: زهرا مرادی

سر دبیر: مهسا صدیقی سنگچال

مشاور علمی: محمدرسول آهنگران

کارشناس نشریات: سرکار خانم مریم شریفی دانا

ویراستار: سرکار خانم رزین ابراهیمی

صفحه آرا: سرکار خانم جاسمی

گرافیکست و طراح جلد: پیوند محمدی

شماره: ۱۳، پاییز ۱۴۰۳

پل ارتباطی: Mahsa sedighi ۸۳۸ gmail.com

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - دانشکدگان فارابی - دانشگاه تهران -

انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

کد پستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ شماره تماس: ۰۲۵۳۶۱۶۶۳۴۱

استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است

حوزه فعالیت، اهداف، راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه حاضر با رویکرد علمی تخصصی در راستای ارتباط فقه و حقوق اسلامی با نگرش به پویایی فقه امامیه به عنوان نشریه علمی انجمن دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران منتشر می شود حوزه موضوعی مجله، فقه و حقوق با تأکید بر مباحث نوظهور است.

که پس از داوری تخصصی، تأیید مسئولین نشریه و با توجه به ساختار تعریف شده در این راهنما چاپ می شود از نویسندگان محترم تقاضا می شود در تهیه و تنظیم مقالات خود نکات زیر را رعایت کنند.

مقاله در محیط نرم افزاری Word ۲۰۱۰

اندازه کاغذ A4 :

حاشیه ها (بالا، پایین، چپ و راست): ۴ سانتی متر

فونت عنوان مقاله ۱۴ B Titr :

فونت متن: فارسی ۱۳ B Zar و انگلیسی ۱۰ Times New Roman

فونت در جدول و نمودار: فارسی ۱۰ B Zar و انگلیسی ۹ Times New Roman

تعداد صفحات نباید از ۲۴ صفحه در همین فرمت بیش تر باشد.

برای واژه ها و نام های خارجی، در حد امکان از معادل های فارسی مصطلح و مصوب استفاده کنید.

در صورت نیاز به درج زیرنویس، همه موارد فارسی به صورت راست چین با قلم BMitra و اندازه ۱۰ pt.

و زیرنویس های لاتین به صورت چپ چین با قلم Times New Roman اندازه ۹ pt. نوشته شوند.

راهنمای نگارش ◇ ۳

لطفاً توجه فرمایید منابع خارجی داخل متن به فارسی نوشته شوند؛ ولی در بخش فهرست منابع به انگلیسی نوشته شوند.

در فهرست منابع، ابتدا منابع فارسی به ترتیب حروف الفبا فارسی (B Zar ۱۲) و سپس منابع انگلیسی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (Times New Roman ۱۱) نوشته شوند.
ضمناً منابع به صورت زیر نگارش شوند:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان کتاب، محل انتشار، نام ناشر
مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات.

اگر مقاله یا کتاب بیش از یک نویسنده داشت بین اسامی نویسندگان ویرگول (،) گذاشته شود.

نویسندگان محترم می توانند مقالات خود را در سایت نشریه:

به آدرس <http://feghhepouvasi.ut.ac.ir> بارگذاری کنند.

فهرست مطالب

.....	سخن سردبیر	۵
.....	مهدی پور کیانی	۶
.....	ژنو پلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش: دکتر مریم مرادی - مارال کیوان -	۲۵
.....	اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین المللی: افسانه حاجیلو	۲۵
.....	واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد بین الملل: حسین جعفری طاهری - زهرا ارومیه چی	۴۴
.....	مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران: زهرا عسکری - داود رضایی	۵۹
.....	تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین المللی در برابر مخاطبین: سارا مالکی زاده	۷۵

سخن سردبیر

هوالحق

سلامی دوباره عرض می‌کنم خدمت همراهان همیشگی نشریه فقه پویا. خرسندم در مدت ۳ سال و تقریباً نیمی در نشریه حاضر فعالیت داشته‌ام، هر چند آن قدر دوران لذت بخش و مفیدی بود که متوجه گذر زمان نشده‌ام. اکنون که به دوره پایانی حضور بنده به عنوان سردبیر نشریه فقه پویا رسیده است، سخنی ندارم جز آرزو درخشش و شکوفایی هر چه بیشتر نشریه فقه پویا و امید است در آینده بتواند نشریه مذکور در سامانه‌های معتبر علمی دیگر نیز قابل دسترس برای همگان باشد و همچنین به جای شایسته تر از آنچه حال دارد در عرصه پژوهشی دست یابد.

مهسا صدیقی سنگچال

بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش

دکتر مریم مرادی^۱

مازال کیوان^۲

مهدی پور کیانی^۳



چکیده

این تحقیق به بررسی ابعاد ژئوپلیتیک تلاش‌های داعش برای ایجاد خراسان بزرگ می‌پردازد. خراسان بزرگ، به‌عنوان منطقه‌ای با تاریخ غنی و تنوع فرهنگی، دارای اهمیت استراتژیکی و حتی به‌عنوان یک قدرت نظامی نوظهوری در منطقه مطرح شده است. اصولاً کسانی که در پی به‌وجود آوردن حکومتی بنیادین (شاخه‌ای از داعش) به نام خراسان بزرگ هستند، با ظهور قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران و تحولات سیاسی و نظامی اخیر محاسبات و معادلات آن‌ها از نظم پیشین خارج شده است و از طرفی ظهور داعش به‌عنوان یک گروه افراطی نه‌تنها تهدیدی برای امنیت کشورهای منطقه‌ای است؛ بلکه به افزایش بی‌ثباتی و ایجاد تنش‌های جدید بین کشورهای مسلمان منطقه نیز می‌پردازد. تحقیق حاضر، با تمرکز بر انگیزه‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک داعش، به تحلیل تأثیرات این گروه بر امنیت ملی کشورهای همسایه شامل

۱. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم. Moradimaryam@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی. Mky040607@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی. M.purkiani@gmail.com

بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش ◇ ۷

افغانستان، ایران و پاکستان می‌پردازد. همچنین، عواملی که می‌تواند بر پذیرش یا رد ایدئولوژی داعش تأثیرگذار باشد را مورد بررسی قرار دهد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که چگونه تحولات ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند بر تلاش‌های داعش برای گسترش نفوذ خود در خراسان بزرگ تأثیر بگذارد. براساس یافته‌های تحقیق، انتظار می‌رود که تلاش‌های داعش مرزهای کنترل‌ناپذیر شرقی و تهدیدهای غرب به علت وقایع اخیر نه تنها بر جمهوری اسلامی ایران بلکه بر امنیت و تمامیت ارضی کشورهای منطقه‌ای نیز منجر شود اما در عین حال ایالات متحده آمریکا، طالبان، القاعده و داعش را بوجود آورد تا به اهداف استعماری خود در خاورمیانه برسد و عراق، سوریه، یمن و لیبی را تقسیم کرد و حالا تصمیم به تغییر استراتژی جدید دارد و آن به‌وجودآوردن خراسان بزرگ است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی و برگرفته از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: داعش، تروریسم، آمریکا، خراسان بزرگ، افغانستان، خاورمیانه.

مقدمه

منطقه خراسان بزرگ به‌عنوان یکی از مناطق تاریخی و فرهنگی غنی، همواره در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. در دهه‌های اخیر، ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش، ابعادی جدید به دگرگونی‌های ژئوپلیتیک منطقه افزوده است. داعش، با توجه به تاریخ و ریشه‌های فرهنگی خراسان، به استفاده از این هویت تاریخی به‌منظور ترویج ایدئولوژی افراطی خود پرداخته و سعی در جذب نیرو و گسترش نفوذ خود در این مناطق دارد. این گروه با هدف ایجاد خراسان بزرگ، نه‌تنها به‌دنبال برقراری حکومت‌های خودخوانده است، بلکه می‌کوشد تا زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه را به نفع خود تغییر دهد. موفقیت داعش در تحقق این هدف می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر امنیت ملی کشورهای همسایه و ساختار قدرت در منطقه داشته باشد. از سوی دیگر، واکنش‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این چالش، می‌تواند دینامیک‌های جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کند. این وضعیت پیچیدگی‌های دیگری نیز به‌دنبال دارد که باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق، تلاش می‌شود تا از زوایای مختلف به تحلیل جنبه‌های ژئوپلیتیک تلاش‌های داعش برای ایجاد خراسان بزرگ پرداخته شود. به‌ویژه، هدف این است که پیامدهای احتمالی این تلاش‌ها بر امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. تلاش‌های داعش برای ایجاد خراسان بزرگ به چه انگیزه‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک مرتبط می‌شود؟ داعش قادر است با تکیه بر هویت تاریخی خراسان، به جذب حامیان و دستیابی به منافع خود برسد؟

فرضیه مطرح آن است که داعش از طریق بهره‌برداری از هویت تاریخی خراسان به‌دنبال جذب نیروها و افزایش خود در منطقه است. داعش ممکن است تلاش کند از هویت تاریخی خراسان به‌عنوان ابزاری برای جذب حمایت استفاده کنند؛ ولی با چالش‌های عمده‌ای که شامل تنوع قومی و مذهبی و مقاومت محلی و بین‌المللی است، روبرو می‌شوند. تحولات ژئوپلیتیک

بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش ◇ ۹

احتمالی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند داعش را به سوی یک پوست‌اندازی جدای از حکومت غیرقابل انعطاف سلفی، به سوی یک ویژگی که برخوردار از نظم بین‌المللی می‌باشد هدایت کند. داعش به‌خوبی می‌داند که افزایش تنش برای ایران، افغانستان، ترکمنستان و ازبکستان، خشم ایران را برای حیات داعش برمی‌انگیزد و به ناچار حکومت جمهوری اسلامی ایران اگر لازم باشد در نابودی داعش به هر طریق ممکن حتی به‌صورت یک شکاف هسته‌ای خفیف درنگ نخواهد کرد و لذا داعش ممکن است از طریق تغییر رویکردهای غیرقابل انعطاف خود به سوی تفکری جدید پیش برود؛ زیرا می‌داند که دیگر منتفع این میدان نخواهد بود. تحلیل ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش یک ضرورت فوری و حیاتی به‌شمار می‌رود که می‌تواند در هدایت سیاست‌های امنیتی و خارجی دولت‌ها و ایجاد هماهنگی بین‌المللی برای مقابله با افراط‌گرایی و حفظ ثبات جهانی نقش مهمی ایفا کند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک مطالعه تأثیرات جغرافیای زمین، انسانی و فیزیکی بر سیاست و روابط بین‌الملل است (George, jim, ۱۹۴۶, ۸۱۶). ژئوپلیتیک معمولاً به کشورها و روابط بین آن‌ها اشاره می‌کند، ممکن است بر دو نوع دولت دیگر تمرکز کند: یا دولت‌های مستقل بالفعل یا با مسئولیت محدود و روابط بین نهادهای ژئوپلیتیک فرعی مانند ایالت فدرال که یک فدراسیون یا شبه فدرال را تشکیل می‌دهد، معنا ببخشد (Johnwiley, sony, ۲۰۱۵, ۳۵۴۴). در سطح روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک روشی برای مطالعه سیاست خارجی برای درک، تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاسی بین‌المللی از طریق متغیرهای جغرافیایی، شامل مطالعات منطقه اقلیم منابع است. (Evans, graham: ۱۹۹۸) موضوعات ژئوپلیتیک شامل روابط بین منافع بازیگران

سیاسی بین‌المللی متمرکز در یک منطقه، یک عنصر جغرافیایی است، روابطی که یک سیستم ژئوپلیتیکی را ایجاد می‌کند. (Vladimir, ۲۰۰۶)

عبارت ژئوپولیتیک از ژئو به معنی زمین و پلیتیک به معنای سیاست تشکیل شده است (رضیتی، ۱۳۹۲: ۷) ژئوپلیتیک موضوع را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌ها می‌داند. ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، است. زیرا هر یک از دولت‌ها بخشی از فضای جغرافیایی - سیاسی جهان را تشکیل می‌دهند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۵۷).

۲. تاریخچه تروریسم داعش

با حملات ایالت متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی به بهانه مبارزه و جلوگیری از تروریسم بین‌الملل، شاخه القاعده در عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی فعال شد و عملیات انتحاری بسیاری در این کشور شکل گرفت. بمب‌گذاری در اماکن عمومی، قتل و خشونت به اسم اسلام و مبارزه با استکبار جهانی، از بارزترین اقدامات شاخه القاعده در عراق بود.

رهبر القاعده از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ فرمانده القاعده در عراق نیز بود و خود را دشمن درجه یک شیعیان معرفی می‌کرد. زرقاوی در سال ۲۰۰۶ میلادی در بمباران مواضع القاعده در عراق کشته شد. چند ماه بعد از کشته شدن او القاعده عراق به دولت اسلامی عراق تبدیل گردید و ابوالعم بغدادی رهبری این گروه تندرو اسلامی را به عهده گرفت اما با تدوین قانون اساسی و بهبود وضعیت سیاسی عراق و از سوی دیگر فقدان رهبر کارزماتیک مانند الزرقاوی فعالیت سیاسی و مسلحانه القاعده عراق کم‌رنگ شد تا این که در سال ۲۰۱۰ میلادی با کشته شدن ابوالعمر و جانشین او ابوحمزه المهاجر و روی کار آمدن ابراهیم البدری معروف به ابوبکر البغدادی و از سوی دیگر شروع جنگ داخلی سوریه زمینه فعالیت‌های تروریستی تکفیری این گروه رو به گسترش گذاشت. ابوبکر بغدادی رهبر دولت اسلامی عراق در آوریل ۲۰۱۳ میلادی طی پیام صوتی ادغام گروه خود را با جبهه النصره را با عنوان (الدوله الاسلامیه فی العراق و الشام) اعلام نمود. (www.twitter.com).

بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش ◇ ۱۱

اما بلافاصله رهبر النصره، الجولانی و ایمن الظواهری رهبر سازمان تروریستی القاعده موضوع را رد کردند. بار این پیشنهاد از سوی جولانی بغدادی، با افراد خود به سوریه وارد شد و پس از سه هفته با بیانیه‌ای در سال ۲۰۱۳ انحلال جبهه النصره و تأسیس دولت اسلامی را اعلام کرد. در پی این اقدام افراد جبهه النصره به سه دسته کلی تقسیم شدند: عده‌ای با بغدادی بیعت کردند. و یک چهارم از آن‌ها با جولانی باقی ماندند و بقیه از این مجموعه جدا شدند. داعش اولین افرادی بود به ابوبکر بغدادی پیوستند و نقش مهمی در حلب داشتند. (www.france24.com).

از سوی دیگر خلیفه داعش با القاعده در رابطه با اولویت‌های درگیری مسلحانه نفوذ در مناطق مختلف و اعلام زمان خلافت اسلامی به اختلاف اساسی رسید. بروز این گونه اختلافات موجب شد تا داعش از القاعده منفک شده و از سوی دیگر القاعده هرگونه وابستگی به داعش را رد کند. بر این پایه داعش به‌عنوان یک گروه تندرو و افراطی از القاعده به طور جدی در دو منطقه عراق و سوریه به مبارزه مسلحانه پرداخت. (قربانی زواره، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

آغاز جدایی داعش را از خاستگاه و بنیادش یعنی القاعده به شمار آوریم و باید علت این امر را در اعلام نظر ایمن الظواهری خلیفه خودخوانده بشمار آوریم. داعش فرزند القاعده است که با عملکرد خشونت‌طلبانه‌اش به خوبی عدم پابندی به مؤلفه‌ها را آشکار ساخت و به این ترتیب راهی به مراتب خطرناک‌تر از القاعده را در پیش گرفت. اعلام موجودیت داعش مربوط به نقش آفرینی ابومصعب الزرقاوی پس از خروجش از افغانستان در منطقه خاورمیانه بود و اسباب نگرانی آمریکا را در عراق فراهم آورد. داعش سه شخصیت رهبری داشت: (۱) ابومصعب زرقاوی (۲) ابوعمر بغدادی (۳) ابو حمزه مهاجر که این سه ارکان در عراق بوده و راه را برای اسامه بن لادن و ایمن الظواهری باز کردند (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

۳. موقعیت جغرافیایی خراسان در ثبات و امنیت منطقه‌ای

امروزه بافت جغرافیایی و ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی زمینه دیگری برای آهنگ و ماهیت تغییرات است به طور کلی می‌توان گفت پنج کشور در خاورمیانه بزرگ هستند

که این توانایی را دارند تا فعالانه فضای ژئوپلیتیک منطقه را شکل بخشند که عبارتند از: عراق و همسایه غیرعرب آن، ایران و رژیم اسرائیل است، کشور چهارم لیبی، که دارای ذخایر عظیم نفت است و حضور و نفوذ ژئوپلیتیک در خاورمیانه اروپا و آفریقا دارد، پنجم پاکستان، کشور برخوردار از تسلیحات هسته‌ای و حامی سابق طالبان و به‌وجودآورنده هسته مرکزی داعش و متحد آمریکا در جنگ علیه تروریسم. (خیبری، ۱۳۸۵: ۲۶).

امروزه عراق مهم‌ترین و متزلزل‌ترین آن‌ها و ایران چالش‌برانگیزترینشان است. در این دو کشور بافت جغرافیا توسط تعارض بین اکثریت شیعه عراق و سنی‌های جنگ‌طلب از جمله القاعده است و در شرق ایران تروریسم وحشتناک داعش با ادعای سرزمینی جدید در حد فاصل سه کشور ایران در شرق افغانستان در شمال و ترکمنستان در جنوب و ازبکستان جنوب شرقی کشورهای جدید نشأت گرفته از اسلام بنیادین با تغییر تروریسم وحشتناک امروزی.

در نیمه دوم سال ۲۰۰۳ کانون توجه اصلی عملیات بشر نظامی در عراق سمت جامعه شیعه مذهب تغییر جهت داد؛ اما واضح و مبرهن است که جماعت سنی مالکی و رافعی با تفکر و تسلیحات داعش که بخشی از تسلیحات مدرن به جای مانده آمریکا را در دست دارد و با به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند شورشی را در کوهستان‌های شرق ایران براه انداخته و از سنی‌ها به‌طور اخص القاعده و وهابی‌ها که علیه آمریکا قیام کردند؛ بلکه تسهیل قدرت و انتقال آن را به سمت شرق ایران و خراسان ایران کشانده و با آمریکا در این جغرافیایی جدید شریک و سهمیم هستند و با این جغرافیای جدید خراسان بزرگ، بنحو مخاطره‌آمیزی تهدیدکننده ثبات روابط شیعه و سنی و پیوند غیرعربی ایران با همسایگان سنی شرقی (پاکستان، افغانستان، ترکمنستان و ازبکستان) می‌باشد.

اقلیت‌های ملی یا قبیله‌ای از قبیله پشتون صاحبان بخشی از مفهوم فرهنگ افغانی هستند. تمام دستاوردها و کامیابی‌های علمی و ادبی و فرهنگی سرزمین خراسان را به پشتون‌ها نسبت دادند. نقش و مقام خلق تاجیک را نباید نادیده گرفت. احاله خراسان قدیم و تاحد زیادی افغانستان امروز را از قدیم‌الایام تاکنون را تاجیکان تشکیل می‌دهند و بزرگ‌ترین اتحادیه دولتی

بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش ◇ ۱۳

حکومتی از قبیل باختری‌ها گوشانیان، سامانیان، بدخشانی‌ها تخاری‌ها، بغلان‌ها، به نام تاجیکان و نیاکان آن‌ها به ثبت رسیده است (حق نظر نظروف، ۱۳۸۰: ۶).

ایالت خراسان بخشی از ایالات هرات، فرات، نیمروز، هلمند، قندهار تا بلخ و قندوز غزنی و زابل بخش‌های دیگری از ایران و قبایلی. در سال ۱۷۴۹ احمدشاه افغان بخش مهمی از خراسان را و چندین موضع مهم و مستحکم را درهم شکست و تا قندهار پیش رفت. احمدشاه در بهار ۱۷۵۰ به نیشابور حمله کرد؛ آن را فتح کرد و به قلمرو خود پیوست.

بخشی از خراسان امروز را نام خراسان با فرهنگ و تمدن ایران و افغان واژه جدیدیست. (آصف فکرت، ۱۳۸۸: ۴۸۶) دکتر محمود افشار از مقدمه تاریخ و زبان در افغانستان می‌نویسد خیلی از کتب ادبی و اشعار به زبان فارسی در افغانستان یعنی خراسان سابق نوشته و گفته شده است (میر محمد صادق، ۱۳۸۵: ۵۰). خراسان بزرگ از نظر داعش القاعده و طالبان به معنای استان‌های خراسان شمالی رضوی جنوبی و افغانستان و بخشی از پاکستان و هندوستان را تشکیل می‌دهد.

نواندیشان پان اسلام‌میس به فکر اسلام در کشورهای ترکیه ایران و افغانستان هستند و به دنبال یک سازش سیاسی شیعه و تقویت اسلام می‌باشند در صورتیکه داعش عکس این تفکر را در سر می‌پروراند. (عالمی کرمانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

به وجود آمدن کشورهای جدید به نام خراسان بزرگ من جمله در ناحیه شمال غربی افغانستان، جنوب غربی ازبکستان و شمال شرقی ایران تحت سیطره داعش و کشور جدید به نام خراسان بزرگ برای تسلط به لوله گاز و نفت کشورهای آسیای میانه و کنترل و نزدیکی زمینی سوق الجیشی زمینی به کشورهای روسیه، ایران، افغانستان و چین و پاکستان می‌باشند و داعش می‌تواند بهترین کارگزار آمریکا و انگلیس در این منطقه باشد (غبار، ۱۳۹۰: ۶۳).

۴. بازیگران داخلی در ساختار سیاسی خراسان

در ساختار سیاسی خراسان که جغرافیایی شامل بخش‌هایی از چند کشور مانند ایران، افغانستان و پاکستان است چندین بازیگر داخلی وجود دارند که هر کدام نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. این بازیگران شامل گروه‌های سیاسی و مذهبی و قومی هستند.

۴-۱. امنیت منطقه‌ای دولت ایران

ایران به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای از ویژگی‌های رفتار مبتنی بر مقاومت در محیط منطقه‌ای و رقابت در سیاست بین‌الملل برخوردار است (Korb, ۲۰۰۵: ۷۲). نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خراسان به‌ویژه خراسان رضوی و خراسان شمالی نقش مهمی در تأمین توسعه و امنیت منطقه دارد. ساختار دفاعی ایران به گونه‌ای سازمان‌دهی گردیده است که اولاً بتواند با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی مقابله نماید. ثانیاً زمینه‌های لازم را برای تأمین منافع ملی کشور را فراهم آورد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۶۶).

۴-۲. گروه‌های مذهبی و قومی

محقق آلمانی و کاوشگر اختلاف‌ها میان (طرفین دعوا)، تودن هوفر که سال‌ها در امر قضاوت بوده است، بارها با شخصیت‌های کشورهای رهبران گروه‌های مخالف آنان از من جمله با مصاحبه کرده است گروه‌های افغان و رییس ستاد ارتش شوروی، دیکتاتور شیلی و آگوستینو پی نوشته و مخالفان او گفتگو کرده است. از میان این مذاکرات و تبادل نظرها، گفتگو او با (ابو قتاده) جالب است.

در مورد شیعه‌ها چه عقیده‌ای دارید؟ پاسخ ابو قتاده: عقیده اسلامی این است که شیعیان مرتدند. حکم ارتداد در از اسلام مرگ است. با شیعیان ایران و عراق که بخواهند شیعه بمانند چه می‌کنید؟ خب مشخص است همه را اذم اعدام می‌کنیم. حضرت محمد ﷺ پیامبر رحمت بود دشمنانش را عفو می‌کرد به نظر می‌رسد که شما برای دشمنانتان هیچ عفو قائل نیستید (افشاری، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

۵. خشم و خشونت عربستان در مقابل با هلال شیعه

رویکرد امنیتی عربستان در دومین دهه قرن ۲۱ در مقابله با ایران قرار داشته است چنین اقداماتی دارای نشانه‌های هویتی، ایدئولوژیک بوده است. عربستان حتی در دوران نظام شاهنشاهی ایران نشانه‌ای از ستیزش را در برابر سیاست‌های منطقه‌ای ایران اعمال می‌کرد. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عربستان محور اصلی حمایت از عراق به‌عنوان کارگزار جنگ نیابتی علیه ایران بوده است.

وزارت امور خارجه آمریکا از سال‌های آغازین قرن ۲۱ درصدد بود تا تفسیر جدیدی از امنیت رقابت و موازنه در آسیای جنوب غربی ارائه دهد. محور اصلی سیاست‌های وزارت امور خارجه آمریکا در دوران را بر اساس الگوهای جستجو نمود که مبتنی بر اقدامات گروه‌های تروریستی است. اقداماتی که می‌تواند معادله امنیت منطقه‌ای را تحت تأثیر نقش‌یابی گروه‌های گریز از مرکز قرار. به این ترتیب شکل جدیدی از خشونت و بی‌ثباتی منطقه‌ای را بازتولید نماید (state department, ۲۰۰۱, ۳۵ US).

رهبران عربستان مقابله با ایران را بر اساس نظریه‌های مقابله با هلال شیعه به انجام می‌رساند. چنین رویکردی در سال ۲۰۰۶ تبیین گردید. علت بهره‌گیری از چنین راهبردی را باید گذار از بحران مشروعیت در ساختار سیاسی و امنیتی عربستان دانست. مقامات عربستان بر این باورند که اگر مقابله با نیروهای حامی بیداری اسلامی در خاورمیانه انجام نگیرد، زمینه‌ای برای گسترش بحران مشروعیت در داخل عربستان ایجاد می‌شود. فعال‌سازی گروه‌های تکفیری در قالب مؤلفه‌های مذهبی و هویتی از سوی عربستان در مقابله با شیعیان سازماندهی شده است. مقامات عربستان از چنین نشانه‌های هویتی برای مقابله ژئوپلیتیک و راهبردی با ایران در خاورمیانه بهره گرفته‌اند. عربستان سعودی محور اصلی سازمان‌های گروه‌های هویتی در منطقه تلقی گردیده که زمینه منازعات کم شده با ایران را به وجود آورده است. علت اصلی ائتلاف‌گرایی عربستان و تل آویو با ایالت متحده مقابله با سیاست‌های ایران را باید در ارتباط با نقش‌های لابی جستجو نمود

که در مراکز تصمیم‌گیری آمریکا به‌ویژه کنگره فعالیت مستمر و اثربخش دارند (Terry, ۲۰۰۵, ۷۲).

رقابت‌های منطقه‌ای تابعی از ضرورت‌های موازنه قدرت در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. ایران و عربستان دارای الگوهای کنش هویتی آرمانی و اهداف ژئوپلیتیک متضادی هستند. هرگاه چنین تفاوت‌هایی در محیط منطقه‌ای به وجود آید طبیعی است که نشانه‌هایی از بحران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بخش قابل توجهی از تضادهای ایران و عربستان انعکاس خود را در محیط منطقه‌ای خلیج فارس و خاورمیانه عربی و آسیای جنوبی غربی به جا گذاشته است (Walt, ۱۹۹۰, ۸۵).

۶. حمایت عربستان از سازوکارهای تروریستی

کارگزاران کنش امنیتی عربستان در منطقه عموماً از سازوکارهای تروریستی بهره می‌گیرند. تروریسم مورد حمایت عربستان با نشانه‌ای از خشونت پیوند یافته است. هرگونه خشونت امنیتی منجر به گسترش بحران و تقویت گروه‌های تروریستی خواهد شد. گرایش عربستان به سازوکارهای تروریستی بخشی از هویت ایدئولوژیک آن را تشکیل داده و از سوی دیگر تلاش دارد هزینه‌های نظامی کمتری را برای تحقق اهداف راهبردی تأمین نماید. عربستان در خاورمیانه عربی دارای خط قرمزهایی است که عموماً با رویکرد امنیتی ایران مغایرت دارد به همین دلیل است که از سازوکارهای فرقه‌گرایی و همچنین تهییج گروه‌های تکفیری برای مقابله با ایران در محیط منطقه بهره گرفته است. علاوه بر عربستان می‌توان به فعالیت‌های ترکیه به خصوص در مقابله با سوریه در راستای حمایت از گروه‌های تکفیری اشاره داشت. به همین دلیل است که بهره‌گیری از سازوکارهای معطوف به تحرک دیپلماتیک می‌تواند زمینه‌های لازم برای خنثی‌سازی الگوی کنش امنیتی عربستان مبتنی بر حمایت از گروه‌های تکفیری را فراهم سازد. دیپلماسی منطقه‌ای ایران می‌بایست معطوف به جداسازی گروه‌های سلفی، تکفیری، و گروه تروریستی باشد (بوزان، ۱۳۸۸: ۹۱).

۷. ظهور داعش و رادیکالیزه شدن سیاست امنیتی

اگرچه آسیای جنوب غربی از اوایل دهه ۱۹۹۰ با نشانه‌های از بحران و ابهام امنیتی روبرو بود اما سقوط حکومت صدام حسین زمینه افزایش تضادهای ژئوپلیتیک را اجتناب‌ناپذیر ساخت. واقعیت‌های ژئوپلیتیک بیانگر این امر است که هرگونه تضاد امنیتی می‌تواند تأثیر خود را در سیاست‌های ژئوپلیتیک منطقه به جا گذارد. نقش داعش مربوط به سال ۲۰۱۳ بود. دورانی که زمینه ظهور فرایندی را به وجود آورد که از آن به عنوان اسلام در انقلاب می‌توان نام برد.

۷-۱. هویت اسلامی و رقابت ژئوپلیتیک

هویت‌گرایی اسلامی با ظهور انقلاب اسلامی ایران ابعاد و تحولات جدیدی پیدا کرد. در دهه ۱۹۸۰ بخش قابل توجهی از گروه‌های اسلامی بر این اعتقاد بودند که احیای دینی ایران می‌تواند در زمره عوامل الهام‌بخش سیاسی برای سایر گروه‌های اجتماعی تلقی شود. رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیک ایران و عربستان در زمره عواملی محسوب می‌شود که زمینه‌های تضادهای فرهنگی، ژئوپلیتیک و راهبردی در منطقه را اجتناب‌ناپذیر ساختند. تحقیقات کنگره آمریکا بیانگر این واقعیت است که بحران‌های هویتی تأثیر خود را در رقابت‌های سیاسی و امنیتی به جا گذارد. مسأله اصلی ایالت متحده و بسیاری از کشورهای منطقه‌ای را باید در کنترل قابلیت موشکی ایران جستجو نمود. چنین رویکردی همواره بخشی از دغدغه‌های راهبردی آمریکا برای محدودسازی ایران بوده است (Hidreth, ۲۰۰۹, ۵). در چنین شرایطی بود که ایران از انگیزه لازم برای پرکردن خلأ امنیتی در محیط منطقه‌ای استفاده کرد. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در عراق و افغانستان را باید بخشی از سازوکارهای مربوط به کنش امنیتی و ژئوپلیتیک در محیط منطقه دانست (HOLTOM, ۲۰۱۰, ۱۷).

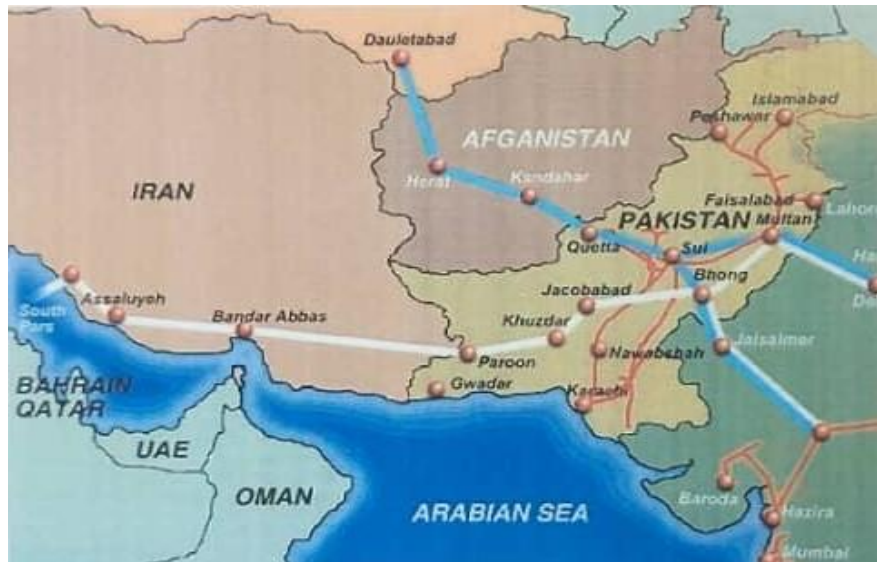
نقش‌یابی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی در نگرش کشورهای عربی و بسیاری از قدرت‌های بزرگ به‌عنوان ناسازه امنیتی تلقی می‌شود. نتیجه چنین فرایندی را باید افزایش رقابت‌های امنیتی ایران با کشورهای عرب به رهبری عربستان دانست (Ikenberry, ۲۰۱۷, ۱۳).

۷-۲. الگوی کنش سیاسی و امنیتی داعش در منطقه

داعش را می‌توان نمادی از نقش‌یابی ایدلوژیک و راهبردی داعش در منطقه، زمینه‌گسترش منازعات جدیدی را در آسیای جنوب غربی اجتناب‌ناپذیر ساخت. تحرک ژئوپلیتیک ایران زمینه‌های لازم را برای ایفای نقش و مسئولیت جدید منطقه را به وجود آورد. در چنین شرایطی داعش را می‌توان نمادی از پادگفتمان ایران در قالب مقاومت منطقه‌ای دانست. محور اصلی کنش تاکتیکی و راهبردی داعش در منطقه براساس نشانه‌ها و شاخص‌ها جنگ نیابتی تعریف می‌شود. حور داعش و بسیاری دیگر از گروه‌های هویتی در سوریه و عراق را باید در زمره نیروها و عواملی دانست که بر معادله موازنه قدرت ژئوپلیتیک و جایگاه منطقه‌ای ایران تأثیرگذار بوده است. بخش قابل توجهی از منطقه‌ای خاورمیانه تحت تأثیر نیروهای سیاسی و اجتماعی جدید قرار خواهد گرفت (Johnson, ۲۰۱۱, ۳۳).

گروه‌های بعثی که بر اساس قانون اساسی عراق در وضعیت حاشیه‌ای قرار گرفته بودند، توانستند هویت خود را در چهارچوب نیروهای سیاسی جدیدی بازتولید کنند که دارای قالب‌های ایدلوژیک بوده و از راهبرد مقابله یا ایران منطقه‌ای بهره می‌گرفتند. عربستان را می‌توان اصلی‌ترین حامی داعش در عراق و سوریه دانست. نقش‌یابی داعش از این باب اهمیت دارد که توانست چالش‌های امنیتی قابل توجهی را برای کشورهای رقیب در منطقه ایجاد کند (Kagan, ۲۰۰۷, ۱۴). ظهور داعش تحت تأثیر مولفه هویت قدرت و نشانه‌های کنش ژئوپلیتیک حاصل گردیده است. در این فرایند می‌توان به الگوهای کنش سیاسی و پیامدهای امنیتی عربستان و ترکیه در حمایت از داعش توجه داشت (متقی، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

۸. مسیر لوله گاز ایران به هند و پاکستان و گاز ترکمنستان از طریق افغانستان



پروژه گاز تاپی انتقال گاز از ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند تحت رهبری طالبان و دولت ترکمنستان منتشر شده است. این خط لوله گازی رقیب برای ایران مطرح شده است و پس از سه دهه بسیار پر فراز و پر نشیب را پشت سر گذاشته است. نام‌هایی دیگری نیز بر این خط لوله گذاشته‌اند از جمله: پروژه سنت گاز ۱۹۹۷ - خط انتقال گاز افغانستان - تی ای جی پی ۲۰۰۲ - این خط لوله از حومه شهر مرودر جنوب ترکمنستان افغانستان نخست وزیر پاکستان و معاون رییس جمهور هند در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۵ ۲۵ آذر ۱۳۹۴ برگزار شد. این خط لوله را طراحان غرب برای بی‌نیاز شدن هند و پاکستان از نفت و گاز ایران طراحی نموده‌اند. فاز اول از منطقه سرحد آباد ترکمنستان تا هرات با حضور ملا محمد آخند سرپرست دولت طالبان، قربانعلی بردی محمد اف، رییس مجلس عالی و رشید مرادف، وزیر امور خارجه ترکمنستان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی در ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ برگزار شد. در این تصویر خط لوله آبی گاز تاپی و خط لوله صلح رنگ سفید شرکت‌هایی که فعلاً سهامدار اصلی این طرح هستند. شرکت یونوکال سهامدار اصلی و شرکت‌های دلتا عربستان و در شرکت ژاپنی و یک شرکت کره‌ای نیز مشارکت دارند. (<http://www.iras.ir>)

۹. یافته‌ها

- حضور داعش در کشور ازبکستان، ترکمنستان و ایران به هر شکل که باشد برای همه کشورها یک تهدید بزرگ تلقی می‌شود و شایسته است که کشورهای فوق در یک نظام امنیتی مشترک با یکدیگر همکاری و معاضدت نمایند.

- دشمنی ایالت متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، باعث توقف طرح (لوله صلح) ارسال گاز ایران به کشور هندو پاکستان شد و به جای طرح صلح طرح تاپی پیشنهاد گردید. در طرح تاپی آمریکا حاضر به پرداخت بخشی از هزینه‌های طراح شد.

- باور کشورهای همجوار به زوال حتمی بنیاد گرایی اسلامی داعش به ویژه حکومت طالبان در افغانستان.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر به تحلیل تلاش‌های داعش برای ایجاد خراسان بزرگ و ابعاد ژئوپلیتیک آن پرداخت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که داعش به طور هدفمند از هویت تاریخی و فرهنگی خراسان بزرگ بهره‌برداری کرده و می‌کوشد تا با تکیه بر این هویت، نیروهای جدیدی جذب کند و نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. این گروه، با استفاده از افراط‌گرایی دینی و ترویج ایدئولوژی خود، سعی در ایجاد احساس تعلق و هم‌پستگی در میان گروه‌های اجتماعی مختلف دارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت‌های داعش در خراسان بزرگ، افزایش تهدیدات امنیتی برای کشورهای همسایه است. ناامنی ناشی از رشد نفوذ این گروه، می‌تواند به شعله‌ور شدن تنش‌ها و درگیری‌های داخلی در افغانستان، ایران و پاکستان منجر شود. این وضعیت به ویژه با توجه به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در این کشورها، مخاطرات جدی را برای ثبات و امنیت منطقه ایجاد می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقش بسزایی در پذیرش یا رد ایدئولوژی داعش دارند. فقر، نابرابری اجتماعی و عدم

۲۱ ◇ بررسی ژئوپلیتیک منطقه با هدف ایجاد خراسان بزرگ توسط داعش

دسترسی به خدمات اساسی موجب بروز زمینه‌های مساعد برای نفوذ افراط‌گرایان می‌شود. لذا برای مقابله مؤثر با تهدیدات داعش و مشابه آن، کشورهای منطقه باید به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی توجه ویژه‌تری داشته باشند. از سوی دیگر، پاسخ‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به این چالش‌ها نیز حائز اهمیت است. حمایت و همکاری کشورهای همسایه و فرامنطقه‌ای می‌تواند به کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از داعش کمک کند. تقویت تبادل اطلاعات، همکاری‌های نظامی و امنیتی و ایجاد راهبردهای مشترک، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به مهار قدرت داعش در منطقه کمک کند. در نهایت، چالش‌های ژئوپلیتیک ناشی از تلاش‌های داعش برای ایجاد خراسان بزرگ تأثیرات عمیق‌تری بر دینامیک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت. بنابراین، توجه به راهکارهای توسعه پایدار، ایجاد همبستگی میان کشورهای همسایه و تعاملات بین‌المللی می‌تواند به تضمین امنیت و ثبات منطقه در برابر این تهدیدات کمک کند. ضرورت دارد که تحلیل‌ها و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود تا راهکارهای مناسب‌تری ارائه گردد.

منابع و ماخذ



۱. استیفن وویگنیز. (۱۳۷۷). جهان بی‌نظم و بحران در تئوری و مدیریت سازمان‌های نوین، (ترجمه محمد علی حقیقی)، انتشارات ترمه، چاپ اول.
۲. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۸۷). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی: اقتصاد دفاع و امنیت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. اطاعت، جواد. (۱۳۷۶). ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، نشر سفید.
۴. بوزان باری و الی ویوور و پاپ دوویدل. (۱۳۸۶). «چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، پژوهشکده مطالعه راهبردی.
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
۶. پیترا ل برگن. (۱۳۹۰). اسامه بن لادن، (ترجمه عباسقلی غفاری فرد)، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات، چاپ اول.
۷. حسنی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). منطقه قرمز، انتشارات یوحنا، چاپ چهارم.
۸. خیبری، کابک. (۱۳۸۵). گروه امنیت بین‌الملل، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل تروریسم، تهران: ناشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. سیمبر، رضا. (۱۳۸۸). تروریسم در نظام بین‌المللی، انتشارات دانشکاه آزاد رشت، چاپ اول.
۱۰. شیرازی، نورالدین. (۱۳۶۸). نظام آل سعود، انتشارات ریبا، چاپ اول.
۱۱. صلاحی، سهراب. (۱۳۹۸). توهم یا واقعیت، انتشارات کیهان، تهران: چاپ اول.
۱۲. صدیق فرهنگ، میر محمد. (۱۳۸۵). افغانستان در پنج قرن اخیر ۱ و ۲، چاپ ۲۱.

منابع و مأخذ ◇ ۲۳

۱۳. عالمی کرمانی، علی و همکار. (۱۳۸۸). **ظهور افغانستان مدرن**، تهران: انتشارات طیف نگار، چاپ اول.
۱۴. غبار، محمد. (۱۳۹۰). **افغانستان در مسیر تاریخ**، تهران: انتشارات عرفان، چاپ اول.
۱۵. غلامی، رضا. (۱۳۹۴). **تاریخ خلافت مدرن**، تهران: انتشارات آوای مکتوب، چاپ اول.
۱۶. مورودفارژ. (۱۳۹۲). **فرهنگ ژئوپلیتیک**، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۷. قربانی زواره، محمد حسین. (۱۳۹۵). **ماهیت داعش**، انتشارات نظری چاپ اول.
۱۸. کویچان، چچارلز. (۱۳۸۲). **هژمونی توخالی یا نظام چندقطبی باثبات**، (ترجمه عظیم فضلی پور)، مندرج در **تنها ابرقدرت تهران** موسسه ابرار معاصر.
۱۹. گروه پژوهشی روابط بین الملل خلع سلاح، (۱۳۸۶)، چاپ اول.
۲۰. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۸). **امنیت منطقه‌ای در شرایط آشوب دولت قوی یا منطقه قوی**، چاپ اول.
۲۱. پژوهش عالی دفاع ملی تحقیقات راهبردی انتشارات دانشکده.
۲۲. مونث استوارت، الفنستون. (۱۳۸۸). **افغانستان**، (ترجمه محمد آصف فکرت)، انتشارات آستان قدس رضوی چاپ سوم.
۲۳. مارسون پیترو. (۱۳۷۹). **طالبان**، (ترجمه کاظم فیروز بند)، نشر مرکز، چاپ دوم.
۲۴. نظروف حق نظر. (۱۳۸۰). **مقام تاجیکان در تاریخ افغانستان**، انتشارات شیخ السلام احمد جام دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۲۵. یورگن تودن هوفر. (۱۳۹۶). **نگاهی به داعش از درون**، (ترجمه رحمان افشاری)، تهران: نشر مهراندیش، چاپ نهم.

منابع انگلیسی

۲۶. An introduction to international relations. (۱۹۷۷), Devetak, Richard George, Jim, ۱۹۴۶-, Percy, Sarah V. (Sarah Virginia).
۲۷. Bulder chandler, Roberto.war. (۱۹۸۱), of ideas the us propaganda compaing in vientnan, co . view press.

۲۸. Evans, Graham (۱۹۹۸). The Penguin dictionary of international relations. Newnham, Jeffrey. London: Penguin Books.
۲۹. Hildreth, steven (۲۰۰۹), irans ballisticmissile programs: an overview Haykel zw, congressional reserch servis report for congress February ۴.
۳۰. Holtom, paul, (۲۰۱۰), arms transfer to Europe and central asia, stochholm international peace reserch institus press.
۳۱. Ikenberry, john. (۲۰۱۷), the plot against American foreign policy, can the liberal order survive? Foreign affairs, march&April.
۳۲. Kangan Robert, (۲۰۰۷), return of history, policy review, no ۱۴۴, p۱-۱۷.
۳۳. Korb, Lawrence (۲۰۰۵), the golf and ud nation security strategy, emiratescenter for strategic studies and reserch.
۳۴. Overland india, (۲۰۱۵), «Future Petroleum Geopolitics: Consequences of Climate Policy and Unconventional Oil and Gas». Handbook of Clean Energy Systems.
۳۵. Rubin.b.arneth, (۱۹۹۵), the search for peace in afghanestan : from, butter stste of failed stable yale university press new haven ct.
۳۶. Terry, jancie, (۲۰۰۵), u.s. foreign, policy in the middle fast: the role of lobbies and special interedt group.
۳۷. Us state department, (۲۰۰۱), pattern of global terrorissm, Washington, conter terossim office.
۳۸. Vladimir Toncea, (۲۰۰۶), "Geopolitical evolution of borders in Danube Basin.
۳۹. Walts Stephen. (۱۹۹۰), the orgin of alliance newYork, cornel university.
۴۰. Johnson, loch k, (۲۰۱۱), the trate on the horizon: an inside account of Americas search for security after the gold war, axford, p ۱۶۵.

سایت‌ها:

۴۱. www.twitter.com
۴۲. <http://www.iras.ir>
۴۳. www.france۲۴.com.
۴۴. [Http:wikipedia.org](http://wikipedia.org)
۴۵. <http://ensani.ir>

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی

افسانه حاجیلو^۱



چکیده

در سال‌های اخیر، فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تحول در حوزه‌های مختلف تجارت بین‌المللی شناخته شده‌اند. (Brynjolfsson & McAfee, ۲۰۱۴). این فناوری با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته و تحلیل داده‌های کلان، توانایی بهبود شفافیت فرآیندهای تجاری و ارتقای کارآمدی سیستم‌های تجاری را دارد (WTO, ۲۰۲۲). به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون مدیریت زنجیره تأمین، فرآیندهای گمرکی و حل اختلافات تجاری، هوش مصنوعی می‌تواند با بهبود دقت، کاهش زمان و هزینه‌ها، اعتماد میان طرفین تجاری را افزایش دهد. با این حال، استفاده از این فناوری با چالش‌هایی نیز همراه است که از جمله آن‌ها می‌توان به ابهام الگوریتمی، تبعیض داده‌ای و تهدیدات حریم خصوصی اشاره کرد که می‌تواند منجر به کاهش شفافیت و ایجاد مشکلات حقوقی شود. هدف این تحقیق بررسی اثرات هوش مصنوعی بر شفافیت در تجارت بین‌المللی و تحلیل چالش‌های حقوقی آن است و تلاش دارد تا راهکارهایی برای استفاده مسئولانه از این فناوری در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه شفافیت و تنظیم استانداردهای حقوقی، ارائه کند. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیرات مثبت و منفی هوش مصنوعی بر شفافیت در تجارت

۱. دانش‌آموخته دکترا DBA حقوق تجارت بین‌الملل afsanehhajiloo@gmail.com

بین‌المللی پرداخته و چالش‌های حقوقی ناشی از آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. (O'Neil, ۲۰۱۶؛ ۲۰۱۸، GDPR؛ بهرامی، ۱۴۰۰). داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر کتابخانه‌ای و گزارش‌های بین‌المللی مانند گزارش‌های کمیسیون اروپا و سازمان ملل متحد گردآوری شده و به‌صورت تطبیقی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد چارچوب‌های حقوقی جامع، از جمله در سطح سازمان تجارت جهانی، می‌تواند به استفاده مسئولانه از این فناوری کمک کرده و شفافیت در تجارت بین‌المللی را تقویت کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، تجارت بین‌الملل، شفافیت تجاری، چالش‌های حقوقی، الگوریتم‌های تجاری.

مقدمه

شفافیت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق تجارت بین‌الملل، نقشی بی‌بدیل در تقویت اعتماد میان طرفین تجاری، کاهش موانع اقتصادی، و تسهیل فرآیندهای تجاری ایفا می‌کند (حسینی، ۱۴۰۰). این اصل در اسناد بین‌المللی نظیر موافقت‌نامه عمومی تعرفه، تجارت و توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی جایگاه ویژه‌ای دارد. شفافیت نه تنها باعث افزایش عدالت و انصاف در روابط تجاری می‌شود بلکه از طریق کاهش فساد، تقلب و تبعیض امکان توسعه تجارت پایدار را فراهم می‌آورد. ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، ظرفیت‌های تازه‌ای را برای ارتقای شفافیت در تجارت بین‌المللی ایجاد کرده است. (European Commission, ۲۰۲۰; Villani, ۲۰۲۱). هوش مصنوعی با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته، تحلیل داده‌های کلان و اتوماسیون فرآیندها، توانسته است در حوزه‌هایی نظیر گمرکات، زنجیره تأمین، و حل اختلافات تجاری نقش چشمگیری ایفا کند. این فناوری با کاهش خطاهای انسانی، افزایش سرعت و دقت در پردازش اطلاعات و بهبود نظارت، می‌تواند اعتماد میان کشورها و بنگاه‌های تجاری را تقویت کند.

با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، چالش‌های حقوقی و اخلاقی قابل توجهی به همراه دارد. مسئله «ابهام الگوریتمی» به‌عنوان یکی از مشکلات عمده این فناوری مطرح است که در آن فرآیندهای تصمیم‌گیری توسط الگوریتم‌ها شفاف نبوده و امکان بررسی و توضیح تصمیمات اتخاذشده وجود ندارد. علاوه بر این، «تبعیض داده‌ای» که ناشی از سوگیری‌های موجود در داده‌های آموزشی است، می‌تواند به اتخاذ تصمیمات ناعادلانه منجر شود و عدالت در مبادلات تجاری را تهدید کند (بهرامی، ۱۴۰۰؛ O'Neil, ۲۰۱۶). نقض حریم خصوصی و امنیت داده‌ها نیز از دیگر چالش‌هایی است که می‌تواند اعتماد عمومی و اصول شفافیت را در محیط‌های تجاری تحت تأثیر قرار دهد.

پرسش اساسی که این مقاله تلاش دارد به آن پاسخ دهد، این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای تقویت شفافیت در تجارت بین‌المللی بهره برد؛ در حالی که چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آن مدیریت شود. با توجه به اهمیت شفافیت در کاهش فساد، افزایش رقابت‌پذیری و تضمین حقوق طرفین تجاری، ضرورت دارد که ابزارهای جدید مانند هوش مصنوعی به گونه‌ای به کار گرفته شوند که اهداف شفافیت و انصاف را تقویت کرده و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند. این تحقیق ضمن بررسی اثرات مثبت و منفی هوش مصنوعی بر شفافیت، تلاش دارد تا چارچوب‌های حقوقی و نظارتی مناسب برای استفاده از این فناوری را پیشنهاد کند. تدوین استانداردهای بین‌المللی، الزام به شفاف‌سازی فرآیندهای الگوریتمی، و تقویت قوانین حفاظت از داده‌ها از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی کمک کرده و نقش این فناوری را در ارتقای شفافیت در تجارت بین‌المللی بهینه سازد (European Commission, ۲۰۲۱; WTO, ۲۰۲۲).

۱. تعریف هوش مصنوعی در منابع بین‌المللی

هوش مصنوعی (AI) در منابع بین‌المللی به‌عنوان مجموعه‌ای از سیستم‌ها و الگوریتم‌ها شناخته می‌شود که هدف آن‌ها ایجاد توانایی‌های مشابه به تفکر انسانی در ماشین‌ها است (ISO/IEC ۲۰۲۱؛ European Commission, ۲۰۲۰). براساس تعریف‌های مطرح‌شده در اسناد معتبر بین‌المللی، مانند گزارش‌های سازمان ملل متحد و مقالات علمی منتشرشده در نشریات معتبر، این فناوری شامل طیف وسیعی از روش‌ها و ابزارها است که می‌توانند بر اساس داده‌های ورودی تصمیم‌گیری کنند؛ مشکلات پیچیده را حل کنند و رفتارهایی مشابه انسان‌ها را شبیه‌سازی نمایند (UNCTAD, ۲۰۱۹؛ Villani, ۲۰۲۱). یکی از ارکان اصلی هوش مصنوعی، یادگیری ماشین است که از الگوریتم‌های پیچیده برای تحلیل داده‌های گسترده و پیش‌بینی روندهای آینده استفاده می‌کند. به‌طور مشابه، پردازش زبان طبیعی

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۲۹

به ماشین‌ها این امکان را می‌دهد که با زبان انسان ارتباط برقرار کنند و تصمیم‌گیری‌های منطقی بر اساس اطلاعات متنی و گفتاری انجام دهند.

در حقوق تجارت بین‌الملل، هوش مصنوعی به‌طور فزاینده‌ای در شبیه‌سازی رفتار انسانی و بهبود کارایی سیستم‌های تجاری و اقتصادی به‌کار می‌رود (WTO, ۲۰۲۲؛ UNCTAD, ۲۰۲). به‌عنوان نمونه، استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت زنجیره تأمین و گمرکات، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای باعث تسریع فرآیندها و کاهش هزینه‌ها می‌شود. اما این کاربردها نیز با چالش‌هایی نظیر ابهام الگوریتمی و تبعیض در داده‌ها همراه است که می‌تواند به اعتبار تصمیمات تجاری و حقوقی آسیب بزند (O'Neil, ۲۰۱۶؛ بهرامی، ۱۴۰۰). در مجموع، هوش مصنوعی در سطح جهانی به‌عنوان یک فناوری تحولی در حال گسترش است که در حوزه‌های مختلف از جمله تجارت بین‌المللی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. با این حال، نیاز به مقررات دقیق و شفاف در راستای استفاده بهینه و ایمن از این فناوری، در دستور کار نهادهای بین‌المللی قرار دارد (European Commission, ۲۰۲۱؛ GDPR, ۲۰۱۸).

۲. تاریخچه هوش مصنوعی در ایران

توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی در ایران به دهه‌های اخیر باز می‌گردد؛ اما برای اولین بار در دهه ۱۳۶۰، با شروع پژوهش‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، به‌طور جدی وارد این عرصه شد (صبوری، ۱۴۰۱). یکی از نخستین تلاش‌های ایران در این حوزه، به تشکیل گروه‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های معتبر مانند دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران در اوایل دهه ۱۳۷۰ برمی‌گردد. این گروه‌ها بیشتر بر مباحثی چون تحلیل داده‌ها، پردازش زبان طبیعی، و سیستم‌های خبره متمرکز شدند. در همین راستا، پژوهشگران ایرانی با استفاده از منابع خارجی و ایجاد ارتباطات علمی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های معتبر جهان، شروع به تولید مقالات علمی در زمینه هوش مصنوعی کردند.

در دهه ۱۳۸۰، با پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و دسترسی بیشتر به ابزارها و نرم‌افزارهای پیشرفته، توجه به کاربردهای عملی هوش مصنوعی در ایران افزایش یافت (UNCTAD, ۲۰۱۹). استفاده از این فناوری‌ها در صنایع مختلف مانند پزشکی، خودروسازی، و بانکداری، و همچنین در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، مورد توجه قرار گرفت. در این دوران، بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، پروژه‌های عملی و کاربردی را در زمینه‌های هوش مصنوعی به انجام رساندند.

در دهه ۱۳۹۰، با رشد سریع فناوری‌های دیجیتال و گسترش اینترنت، ایران نیز شاهد تحولی بزرگ در زمینه هوش مصنوعی بود. بسیاری از شرکت‌های استارت‌آپی ایرانی در این دوران به استفاده از فناوری‌های نوین هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته و به عنوان مثال، در زمینه تحلیل داده‌ها، توسعه سیستم‌های هوشمند، و ارائه خدمات مبتنی بر هوش مصنوعی وارد عرصه بازار جهانی شدند. همکاری‌های علمی و پژوهشی بین ایران و کشورهای مختلف نیز در این زمینه گسترش یافت و ایران به یکی از مراکز مهم تحقیقات در حوزه هوش مصنوعی در منطقه خاورمیانه تبدیل شد.

به طور کلی، تاریخچه هوش مصنوعی در ایران به طور پیوسته در حال رشد بوده و در حال حاضر، با پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه‌های مختلف علمی و صنعتی، ایران در زمره کشورهای در حال توسعه این فناوری قرار دارد. تلاش‌های علمی، تحقیقاتی، و تجاری در این زمینه، نویدبخش آینده‌ای روشن برای استفاده از هوش مصنوعی در ایران است (صبوری، ۱۴۰۱).

۳. تاریخچه هوش مصنوعی در اسناد بین‌المللی

هوش مصنوعی به عنوان یک حوزه علمی و فناوری، تاریخچه‌ای غنی و چندمرحله‌ای دارد که از دهه ۱۹۵۰ آغاز می‌شود (Villani, ۲۰۲۱؛ Brynjolfsson & McAfee, ۲۰۱۴). در ابتدا، پژوهشگران و محققان همچون آلن تورینگ و جان مک‌کارتی، به دنبال ایجاد ماشین‌هایی بودند که توانایی انجام وظایف پیچیده انسانی را داشته باشند. آلن تورینگ با ارائه آزمایش معروف

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۳۱

خود در مقاله «محاسبات و هوش» در سال ۱۹۵۰، ایده‌ی اساسی «آزمایش تورینگ» را معرفی کرد (Turing, ۱۹۵۰)، که در آن توانایی ماشین‌ها برای شبیه‌سازی تفکر انسانی مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقاله همچنان به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در تاریخ هوش مصنوعی شناخته می‌شود.

در سال ۱۹۵۶، مفهوم رسمی هوش مصنوعی برای اولین بار در کنفرانس دارتموث توسط جان مک‌کارتی، ماروین مینسکی، ناتانیل روچستر و کلود شانون معرفی شد (Villani, ۲۰۲۱). این کنفرانس به‌عنوان نقطه‌عطفی در تاریخ هوش مصنوعی شناخته می‌شود، جایی که تعاریف اولیه‌ای از این فناوری مطرح گردید و پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که ماشین‌ها می‌توانند «یاد بگیرند» و «استدلال کنند». در این کنفرانس، واژه‌ی «هوش مصنوعی» به‌طور رسمی در ادبیات علمی پذیرفته شد.

در دهه‌های بعد، با پیشرفت‌های چشمگیر در علم رایانه و افزایش ظرفیت پردازشی، هوش مصنوعی از یک ایده نظری به یک فناوری عملی تبدیل شد. در دهه ۱۹۷۰، با ظهور سیستم‌های خبره، هوش مصنوعی وارد صنعت شد و اولین کاربردهای تجاری خود را در زمینه‌های مختلف مانند پزشکی، بانکداری، و صنایع خودروسازی آغاز کرد. این سیستم‌ها به‌طور ویژه در تجزیه و تحلیل داده‌ها و تصمیم‌گیری‌های پیچیده کاربرد داشتند.

در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، با پیشرفت‌هایی در حوزه‌های یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی، شاهد رشد سریع‌تر هوش مصنوعی بودیم (European Commission, ۲۰۲۰). در این دوران، شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این فناوری در زمینه‌های مختلف تجاری و صنعتی استفاده کردند و اولین الگوریتم‌های پیچیده برای شبیه‌سازی رفتار انسان در محیط‌های تجاری و اجتماعی توسعه یافتند. به‌ویژه گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و کمیسیون اتحادیه اروپا در زمینه هوش مصنوعی در همین دوره منتشر شدند. این اسناد به‌طور خاص بر مسائل اخلاقی و چالش‌های حقوقی مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی تأکید داشتند.

در سال‌های اخیر، اسناد بین‌المللی متعدد، از جمله گزارش‌های جدید سازمان یونسکو و شورای اروپا، به توسعه اصول اخلاقی و قانونی برای استفاده از هوش مصنوعی پرداخته‌اند (UNESCO, ۲۰۲۱؛ European Commission, ۲۰۲۱). این اسناد تأکید دارند که استفاده از هوش مصنوعی باید منطبق با حقوق بشر، عدالت اجتماعی و رعایت حریم خصوصی باشد. به‌عنوان مثال، گزارش‌های یونسکو در سال ۲۰۲۱ به لزوم تنظیم چارچوب‌های قانونی بین‌المللی برای مدیریت ریسک‌های ناشی از هوش مصنوعی پرداخته است. به‌طور کلی، تاریخچه هوش مصنوعی در اسناد بین‌المللی با تأکید بر جنبه‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، به‌ویژه در دو دهه اخیر، نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و چالش‌های فزاینده‌ای است که این فناوری در عرصه‌های مختلف ایجاد کرده است. اسناد بین‌المللی به‌طور پیوسته در حال شکل‌دهی به چارچوب‌های قانونی و اخلاقی برای مدیریت این فناوری و بهینه‌سازی کاربرد آن در سطح جهانی هستند (UNESCO, ۲۰۲۱).

۴. تحلیل موضوع

۴-۱. مفهوم شفافیت در تجارت بین‌المللی

شفافیت در تجارت بین‌المللی به معنای شفاف بودن فرآیندهای تجاری، قراردادهای، قیمت‌ها، و استانداردهای تجاری است که موجب ایجاد اعتماد میان طرفین تجاری می‌شود (WTO, ۲۰۲۲؛ UNCTAD, ۲۰۱۹). شفافیت به کاهش فساد، تقلب و تبعیض در روابط تجاری و ارتقای تعاملات منصفانه کمک می‌کند. در این زمینه، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی، «شفافیت» را یکی از ارکان اصلی در ارتقای همکاری‌های تجاری میان کشورها معرفی کرده‌اند. به‌ویژه در تعاملات تجاری بین‌المللی که پیچیدگی‌های زیادی دارند، شفافیت می‌تواند مانع از سوءاستفاده‌های احتمالی شود و فرآیندهای تجاری را به سمت استانداردهای بین‌المللی هدایت کند.

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۳۳

هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل داده‌های کلان و شبیه‌سازی‌های دقیق به تسهیل این فرآیندها کمک کند (Villani, ۲۰۲۱). استفاده از این فناوری در شفاف‌سازی معاملات، نظارت بر رعایت استانداردهای تجاری و پیش‌بینی رفتارهای بازار، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند زنجیره تأمین، گمرکات و حتی حل اختلافات تجاری، می‌تواند اثربخشی زیادی داشته باشد. به‌عنوان مثال، هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌تواند در شناسایی و پیگیری مبادلات تجاری نادرست و شفاف‌سازی منابع تأمین کالا نقش مؤثری ایفا کند.

۲-۴. هوش مصنوعی و ارتقای شفافیت در زنجیره تأمین و گمرکات

یکی از اصلی‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، ارتقای شفافیت در زنجیره تأمین است (ISO/IEC, ۲۰۲۱). این فناوری می‌تواند اطلاعات دقیقی را از منشأ کالاها، مسیر حمل‌ونقل و وضعیت تأمین‌کنندگان ارائه دهد. به‌ویژه در شرایطی که زنجیره تأمین جهانی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند این مشکلات را حل کرده و در عین حال شفافیت بیشتری را فراهم آورد. از جمله کاربردهای هوش مصنوعی در این بخش، می‌توان به تحلیل داده‌های تاریخی و پیش‌بینی تقاضا و عرضه اشاره کرد که به‌طور غیرمستقیم، شفافیت را در مدیریت موجودی کالا و تخصیص منابع افزایش می‌دهد. در بخش گمرکات نیز، هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های تجاری و نظارت بر معاملات، می‌تواند فرآیند ارزیابی و تشخیص کالاها را سرعت بخشد و از طرفی به‌طور مؤثری مانع از تقلب‌ها و تخلفات تجاری شود. به‌طور مثال، کشورهای مختلف از سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های گمرکی و شناسایی تخلفات استفاده کرده‌اند. این امر به‌ویژه در کاهش فساد در فرآیندهای گمرکی که در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک معضل جدی مطرح است، بسیار مؤثر خواهد بود.

۳-۴. چالش‌های هوش مصنوعی در ایجاد شفافیت

اگرچه هوش مصنوعی ظرفیت بالایی برای ارتقای شفافیت در تجارت بین‌المللی دارد، اما در عین حال با چالش‌های حقوقی و فنی مهمی روبه‌رو است که می‌تواند موجب تضعیف شفافیت

و افزایش مشکلات تجاری شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسئله ابهام الگوریتمی است (O'Neil, ۲۰۱۶). بسیاری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه مدل‌های پیچیده یادگیری عمیق، به‌عنوان «جعبه سیاه» شناخته می‌شوند. به این معنا که فرآیند تصمیم‌گیری در این مدل‌ها برای کاربران شفاف نیست و امکان توضیح اینکه چگونه الگوریتم به یک نتیجه خاص دست یافته است، وجود ندارد. این ابهام می‌تواند منجر به کاهش اعتماد طرفین تجاری و از دست رفتن شفافیت در قراردادها و معاملات تجاری شود.

علاوه بر این، تبعیض داده‌ای نیز یکی دیگر از چالش‌های اساسی هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی است (باقری، ۱۳۹۹). الگوریتم‌ها برای آموزش به داده‌های تاریخی نیاز دارند و اگر این داده‌ها شامل سوگیری‌های نژادی، جنسیتی یا جغرافیایی باشند، تصمیمات تجاری که توسط این سیستم‌ها اتخاذ می‌شود، ممکن است ناعادلانه و تبعیض‌آمیز باشد. این امر می‌تواند به نقض اصول عدالت در تجارت بین‌المللی منجر شود و به‌ویژه در مذاکرات تجاری میان کشورها، موجب بروز اختلافات شود.

۴-۴. تأثیر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت و انصاف در حقوق تجارت بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین مسائل در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، تأثیر آن بر اصول حقوقی و انصاف است (حسینی، ۱۴۰۰). در صورتیکه فرآیندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی به‌درستی تنظیم نشوند، امکان دارد که منافع برخی از طرف‌ها به‌طور ناعادلانه تأمین شود. علاوه بر این، نقض حریم خصوصی و امنیت داده‌ها در سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است به‌ویژه در معاملات تجاری فرامرزی که شامل داده‌های حساس می‌شود، منجر به مشکلات حقوقی جدی گردد (GDPR, ۲۰۱۸).

۵-۴. جمع‌بندی تحلیلی موضوع

با وجود تمامی چالش‌ها، هوش مصنوعی همچنان به‌عنوان یک ابزار نوین می‌تواند در ارتقای شفافیت در تجارت بین‌المللی نقش قابل‌توجهی ایفا کند. برای بهره‌برداری بهینه از این فناوری

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۳۵

و جلوگیری از تهدیدهای آن، لازم است که استانداردهای حقوقی و نظارتی جدیدی تدوین شوند که استفاده از هوش مصنوعی را در تجارت جهانی مدیریت کرده و از اصول شفافیت، عدالت و انصاف حمایت کند (European Commission, ۲۰۲۱; WTO, ۲۰۲۲).

۵. پیشنهادات

با توجه به تحولات سریع در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی و چالش‌های حقوقی و عملی مرتبط با آن، لازم است که چارچوب‌ها و راهکارهای جدیدی برای استفاده صحیح و مسئولانه از این فناوری در جهت تقویت شفافیت و رعایت اصول حقوقی در تجارت جهانی تدوین شود. در این راستا، پیشنهادات زیر به منظور تضمین شفافیت، انصاف و حقوق بشر در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی ارائه می‌شود.

۱-۵. تدوین استانداردهای بین‌المللی برای استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی

اولین گام برای استفاده بهینه از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، تدوین استانداردهای بین‌المللی است که به صورت شفاف و جامع نحوه استفاده از این فناوری در بخش‌های مختلف تجاری، از جمله زنجیره تأمین، گمرکات، و حل اختلافات تجاری، را تعریف کند (ISO/IEC, ۲۰۲۱). این استانداردها باید شامل دستورالعمل‌های دقیق برای توسعه و پیاده‌سازی الگوریتم‌ها، نحوه جمع‌آوری و پردازش داده‌ها، و شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری هوش مصنوعی باشد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و کمیسیون تجارت الکترونیکی سازمان ملل می‌توانند نقش رهبری در این زمینه ایفا کنند.

۲-۵. الزام به شفاف‌سازی الگوریتم‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری

یکی از چالش‌های عمده در استفاده از هوش مصنوعی، ابهام الگوریتمی است که می‌تواند به کاهش شفافیت و اعتماد در تجارت بین‌المللی منجر شود (O'Neil, ۲۰۱۶). بنابراین، لازم است که الگوریتم‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی شفاف و قابل تفسیر باشند. شرکت‌ها و نهادهای تجاری باید ملزم به افشای فرآیندهای مورد استفاده در

تصمیم‌گیری‌های خود و روش‌های به‌کارگیری داده‌ها شوند. این شفاف‌سازی نه تنها باعث افزایش اعتماد در روابط تجاری می‌شود، بلکه در صورت بروز مشکل یا اختلاف، امکان بررسی و تحلیل صحیح عملکرد الگوریتم‌ها را فراهم می‌آورد. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های بین‌المللی همچون ایزو (سازمان بین‌المللی استانداردسازی) و W3C (کنسرسیوم جهانی وب) استانداردهایی برای شفاف‌سازی الگوریتم‌ها ایجاد کنند که شامل روش‌هایی برای توضیح و مستندسازی فرآیندهای اتخاذ تصمیم‌ها، داده‌های مورد استفاده و نحوه تحلیل آن‌ها باشد.

۳-۵. پیاده‌سازی اصول ضد تبعیض در الگوریتم‌های هوش مصنوعی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در استفاده از هوش مصنوعی، تبعیض داده‌ای است که می‌تواند منجر به تصمیمات ناعادلانه و بی‌عدالتی در فرآیندهای تجاری شود (GDPR, ۲۰۱۸؛ بهرامی، ۱۴۰۰). این تبعیض ممکن است ناشی از سوگیری‌های موجود در داده‌های تاریخی یا الگوریتم‌های غیرمنصفانه باشد که به‌طور ناخودآگاه منافع برخی از کشورها یا شرکت‌ها را به دیگران ترجیح می‌دهد. به‌منظور مقابله با این معضل، الگوریتم‌ها باید تحت آزمایش‌های ضد تبعیض قرار گیرند تا اطمینان حاصل شود که تصمیمات آن‌ها منصفانه و بر اساس داده‌های بدون سوگیری اتخاذ می‌شود (باقری، ۱۳۹۹). این فرآیند باید شامل استفاده از داده‌های متنوع و نمایانگر گروه‌های مختلف باشد و همچنین باید سیستم‌هایی برای شناسایی و اصلاح تبعیض‌های احتمالی در الگوریتم‌ها پیاده‌سازی شود.

۴-۵. تقویت قوانین حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی در تجارت دیجیتال

با توجه به افزایش استفاده از داده‌های تجاری و شخصی در هوش مصنوعی، حفاظت از حریم خصوصی و امنیت داده‌ها به یکی از چالش‌های مهم تبدیل شده است (GDPR, ۲۰۱۸). برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی و سوءاستفاده از داده‌های حساس، لازم است که قوانین

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۳۷

بین‌المللی سخت‌گیرانه‌تری در زمینه حفاظت از داده‌ها و امنیت سایبری تدوین شود. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این راستا، تقویت و گسترش استفاده از قوانین مشابه قانون عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا است که به شرکت‌ها و نهادها الزام می‌کند اطلاعات شخصی و تجاری را تنها با رضایت صاحب داده‌ها جمع‌آوری، پردازش و نگهداری کنند. کشورهای مختلف باید به ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در این زمینه پرداخته و قوانینی را برای حفاظت از داده‌ها در مقیاس بین‌المللی تنظیم کنند.

۵-۵. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای ارزیابی و بررسی هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی

استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی باید تحت نظارت نهادهای مستقل و غیرجانبدار قرار گیرد (UNESCO, ۲۰۲۱). تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. نهادهای نظارتی مستقل می‌توانند به ارزیابی و بررسی عملکرد الگوریتم‌ها و سیستم‌های هوش مصنوعی پرداخته و اطمینان حاصل کنند که این فناوری‌ها مطابق با قوانین بین‌المللی و اصول اخلاقی به کار گرفته می‌شوند. این نهادها باید آزمایش‌های اخلاقی و حقوقی دقیقی را برای اطمینان از انطباق هوش مصنوعی با حقوق بشر و قوانین تجاری بین‌المللی انجام دهند و در صورت لزوم، برای جلوگیری از هرگونه نقض قوانین، اقدامات قانونی مناسب را اتخاذ کنند.

۵-۶. تشویق به همکاری بین‌المللی و پژوهش‌های مشترک در زمینه هوش مصنوعی و تجارت بین‌المللی

پیشنهاد دیگر، تشویق به همکاری بین‌المللی در زمینه تحقیق و توسعه هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی است. ایجاد پلتفرم‌ها و شبکه‌های تحقیقاتی مشترک میان کشورهای مختلف می‌تواند به تسریع فرآیندهای نوآوری در این حوزه کمک کند (UNCTAD, ۲۰۲۱). این همکاری‌ها می‌تواند به بررسی مسائل مشترک و یافتن راهکارهای جامع برای چالش‌های موجود در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، مانند تبعیض داده‌ای، ابهام الگوریتمی و نقض حریم خصوصی، منجر شود.

۷-۵. آموزش و ارتقای آگاهی در خصوص هوش مصنوعی و حقوق تجارت بین‌الملل

در نهایت، برای تضمین استفاده صحیح از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی، باید بر آموزش و ارتقای آگاهی از این فناوری و اصول حقوقی تجارت بین‌الملل تأکید شود. دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادهای حقوقی باید در خصوص نحوه استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در تجارت آموزش‌های لازم را ارائه دهند (UNESCO, ۲۰۲۱) تا از تبعات منفی و چالش‌های حقوقی آن جلوگیری کنند.

۶. راهکارهای پیشنهادی

با توجه به تحلیل‌ها و یافته‌های این پژوهش، برای استفاده مسئولانه و مؤثر از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی و ارتقای شفافیت، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱-۶. تدوین استانداردهای بین‌المللی برای استفاده از هوش مصنوعی

استانداردهای جامع و شفاف بین‌المللی باید برای توسعه و به‌کارگیری الگوریتم‌های هوش مصنوعی تدوین شود. این استانداردها می‌توانند شامل دستورالعمل‌هایی در زمینه شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری، مدیریت داده‌ها، و حفظ حریم خصوصی باشند. سازمان تجارت جهانی و سازمان‌های تخصصی نظیر ایزو می‌توانند در این زمینه نقش محوری ایفا کنند.

۲-۶. الزام به شفاف‌سازی الگوریتم‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری

یکی از چالش‌های اصلی هوش مصنوعی، ابهام الگوریتمی است. الزام به شفاف‌سازی الگوریتم‌ها و فراهم‌سازی امکان ارزیابی فرآیندهای تصمیم‌گیری، می‌تواند اعتماد طرفین تجاری را تقویت کند. این اقدام نیازمند همکاری بین دولت‌ها، شرکت‌های فناوری، و نهادهای تجاری بین‌المللی است.

۳-۶. تضمین عدم تبعیض در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی

تبعیض داده‌ای از جمله مشکلاتی است که می‌تواند عدالت در تجارت بین‌المللی را به خطر اندازد. لازم است الگوریتم‌های هوش مصنوعی تحت آزمایش‌های جامع ضد تبعیض قرار گیرند تا از سوگیری‌های نژادی، جنسیتی، و جغرافیایی جلوگیری شود.

۶-۴. تقویت قوانین حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی

برای مقابله با تهدیدات مرتبط با نقض حریم خصوصی و امنیت داده‌ها، لازم است قوانینی مشابه قانون عمومی حفاظت از داده‌ها در سطح بین‌المللی گسترش یابد. این قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که حفاظت از داده‌ها را به اولویت اصلی شرکت‌ها و سازمان‌ها تبدیل کنند.

۶-۵. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل

برای اطمینان از انطباق استفاده از هوش مصنوعی با استانداردها و قوانین بین‌المللی، نهادهای نظارتی مستقل باید مسئولیت ارزیابی و نظارت بر سیستم‌های هوش مصنوعی را بر عهده بگیرند. این نهادها می‌توانند با انجام آزمایش‌های حقوقی و اخلاقی، از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند.

۶-۶. تشویق به همکاری‌های بین‌المللی و پژوهش‌های مشترک

همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیق و توسعه هوش مصنوعی می‌تواند به ایجاد چارچوب‌های هماهنگ و پایدار کمک کند. پژوهش‌های مشترک میان کشورهای مختلف می‌تواند چالش‌های مشترک را شناسایی کرده و راه‌حل‌های کارآمدی برای آن‌ها ارائه دهند.

۶-۷. آموزش و ارتقای آگاهی

دولت‌ها و شرکت‌ها باید برنامه‌های آموزشی جامعی برای ارتقای آگاهی در زمینه استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی تدوین کنند. این آموزش‌ها باید شامل مفاهیم حقوقی، فنی و اخلاقی باشد تا کاربران و تصمیم‌گیرندگان بتوانند به درستی از این فناوری استفاده کنند. این راهکارها می‌توانند به تقویت شفافیت و عدالت در تجارت بین‌المللی و مدیریت چالش‌های ناشی از استفاده از هوش مصنوعی کمک کنند و زمینه را برای بهره‌برداری بهینه از این فناوری در محیط‌های تجاری فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

تحولاتی که هوش مصنوعی در سال‌های اخیر در عرصه تجارت بین‌المللی ایجاد کرده، قابلیت‌های عظیمی را برای افزایش شفافیت، کارایی و کاهش هزینه‌ها به همراه داشته است. این فناوری با به‌کارگیری الگوریتم‌های پیچیده و تحلیل داده‌های کلان، نه تنها امکان بهبود فرآیندهای تجاری را فراهم آورده بلکه به شفاف‌سازی زنجیره‌های تأمین، گمرکات و فرآیندهای حل اختلاف نیز کمک کرده است (UNCTAD, ۲۰۲۱; ISO/IEC, ۲۰۲۱). شفافیت، به‌عنوان یکی از اصول کلیدی حقوق تجارت بین‌الملل، با بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌تواند در جهت تسهیل تجارت، ایجاد اعتماد میان طرفین و کاهش فساد در بازارهای جهانی تأثیرگذار باشد. با این حال، به‌رغم این مزایا، چالش‌های حقوقی و اخلاقی متعددی نیز در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی وجود دارد که نباید نادیده گرفته شوند.

مسئله «ابهام الگوریتمی» که موجب عدم شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در این زمینه است. به علاوه، «تبعیض داده‌ای» که ناشی از سوگیری‌های موجود در داده‌ها و الگوریتم‌ها است، می‌تواند منجر به تصمیمات ناعادلانه و بی‌عدالتی در معاملات تجاری شود (بهرامی، ۱۴۰۰؛ GDPR, ۲۰۱۸). این تبعیض‌ها نه تنها بر اعتماد طرفین تجاری اثر منفی می‌گذارند؛ بلکه می‌توانند موجب ایجاد اختلافات و تهدید امنیت اقتصادی در سطح بین‌المللی شوند. از طرف دیگر، موضوع «حریم خصوصی» و «امنیت داده‌ها» در استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی یکی از دغدغه‌های جدی است که به‌ویژه در عصر دیجیتال و گسترش تبادلات اطلاعات، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. نقض حریم خصوصی و افشای اطلاعات حساس تجاری می‌تواند به از دست رفتن اعتماد عمومی و بروز مشکلات حقوقی وسیع منجر شود. در این راستا، استفاده از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی باید تحت نظارت دقیق و با رعایت اصول اخلاقی و حقوقی انجام شود (ISO/IEC, ۲۰۲۱).

اثر هوش مصنوعی بر اصول شفافیت در تجارت بین‌المللی ◇ ۴۱

پیشنهادات ارائه‌شده در این مقاله، از جمله تدوین استانداردهای بین‌المللی برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی، شفاف‌سازی فرآیندهای الگوریتمی، تقویت قوانین ضد تبعیض، و ارتقای حفاظت از داده‌ها، می‌توانند به حل این چالش‌ها کمک کنند. لازم است که سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و کمیسیون تجارت الکترونیکی سازمان ملل، با همکاری کشورهای مختلف، چارچوب‌های قانونی و نظارتی جامع‌تری برای استفاده از این فناوری تدوین کنند (WTO, ۲۰۲۲).

در نهایت، اگرچه هوش مصنوعی پتانسیل بالایی برای ارتقای شفافیت در تجارت بین‌المللی دارد؛ اما موفقیت در بهره‌برداری از این فناوری به اتخاذ تدابیر قانونی و نظارتی دقیق بستگی دارد (Villani, ۲۰۲۱؛ UNCTAD, ۲۰۲۱). کشورهای مختلف باید در راستای توسعه قوانین مشترک بین‌المللی در این حوزه گام بردارند و از فناوری‌های نوین به‌طور مسئولانه و در جهت ارتقای انصاف، شفافیت و حقوق بشر استفاده کنند. این اقدام نه تنها به افزایش کارایی تجارت بین‌المللی کمک خواهد کرد بلکه منجر به ایجاد یک فضای تجاری شفاف و منصفانه‌تر در سطح جهانی می‌شود.

منابع و مأخذ



۱. حسینی، حسن. (۱۴۰۰). جزای عمومی. تهران: انتشارات سمت، نوبت چاپ دوم.
۲. باقری، علی. (۱۳۹۹). حقوق تجارت بین‌الملل در عصر فناوری. تهران: نشر میزان، نوبت چاپ سوم.
۳. صبوری، مهتاب. (۱۴۰۱). «هوش مصنوعی و شفافیت در تجارت بین‌المللی». مجله حقوقی تجارت جهانی، شماره ۱۲.
۴. بهرامی، رضا. (۱۴۰۰). تبعیض داده‌ای در حقوق تجارت دیجیتال. تهران: انتشارات جنگل، نوبت چاپ اول.

منابع انگلیسی

۵. WTO. (۲۰۲۲). "Transparency in Trade: The Role of AI". World Trade Organization. Retrieved from <https://www.wto.org>.
۶. European Commission. (۲۰۲۱). "Artificial Intelligence Act Proposal". European Commission. Retrieved from <https://ec.europa.eu>.
۷. Villani, C. (۲۰۲۱). "AI and the Challenges of Fair Trade". International Journal of Law and AI, Vol. ۱۲, No. ۳.
۸. ISO/IEC. (۲۰۲۱). "ISO/IEC ۲۳۸۹۴:۲۰۲۱ - Information Technology — Artificial Intelligence — Overview of Trustworthiness in AI". International Organization for Standardization (ISO).

۹. UNCTAD. (۲۰۲۱). "Digital Economy Report ۲۰۲۱: Cross-border Data Flows and Development". United Nations Conference on Trade and Development.
۱۰. W3C. (۲۰۱۸). "Web Content Accessibility Guidelines (WCAG) ۲.۱". World Wide Web Consortium.
۱۱. GDPR. (۲۰۱۸). "General Data Protection Regulation (GDPR) Compliance Guidelines". European.
۱۲. Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (۲۰۱۴). The Second Machine Age: Work, Progress, and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies. W.W. Norton & Company.
۱۳. O'Neil, C. (۲۰۱۶). Weapons of Math Destruction: How Big Data Increases Inequality and Threatens Democracy. Crown Publishing Group.
۱۴. European Commission. (۲۰۲۰). Artificial Intelligence for Europe. European Commission.
۱۵. UNCTAD (United Nations Conference on Trade and Development). (۲۰۱۹). The Digital Economy Report ۲۰۱۹: Value Creation and Capture: Implications for Developing Countries. United Nations.

واکوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران

از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین الملل

حسین جعفری طاهری^۱؛ زهرا ارومیه چی^۲



چکیده

اسماعیل هنیه در بامداد روز چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ در حالی که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهور در خاک ایران حضور داشت، توسط رژیم صهیونیستی با موشک کوتاه‌برد ترور شد و به شهادت رسید. با التفات به این اقدام تجاوزکارانه و تروریستی که اسرائیل نیز انجام آن را پذیرفت و آن را موفقیت خود خواند، در این تحقیق بررسی می‌شود که آیا این عمل مصداق تجاوز و توسل به زور بوده است یا خیر. از آن جا که اقدام مسلحانه در خاک کشور ثالث مصداق بارز نقض حاکمیت ارضی و سیاسی یک کشور محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد که بررسی مفاهیم، ماهیت و تحولات توسل به زور در این مطالعه موردی می‌تواند مفید و سودمند واقع گردد. با توجه به بررسی تحولات روز، مبانی توسل به زور و همچنین دفاع مشروع، مصادیق توسل به زور و جنایت تجاوز از سوی این رژیم و مشروعیت پاسخ ایران به جنایت اسرائیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تحقیق حاضر کاربردی است. روش مورد

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. ایمیل: Hjtaheri@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد تهران غرب، تهران، ایران. ایمیل:

zahra.oroomechiha@gmail.com

واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین‌الملل ◇ ۴۵

استفاده در این مقاله تحلیلی - توصیفی است و با مطالعه کتب، مقالات، گزارش‌ها، اسناد بین‌المللی و تحلیل و تفسیر موارد مذکور به اطلاعات مختلفی دست یافته است.

واژگان کلیدی: اسماعیل هنیه، رژیم صهیونیستی، دفاع مشروع، نقض حاکمیت ایران، نقض حقوق بشر.

مقدمه

دکتر اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس بود که در بامداد روز چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴) توسط رژیم صهیونیستی در تهران مورد هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. شهید هنیه در حالی ترور شد که برای شرکت در مراسم تحلیف نهمین رئیس جمهور ایران به تهران سفر کرده بود. او از رهبران مقاومت اسلامی فلسطین بود که سابقه سال‌ها مبارزه در برابر اسرائیل را داشت. وی در اقامتگاهش در تهران با موشک کوتاه‌برد مورد هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. ترور ایشان نقض بارز حاکمیت ایران محسوب شده و به پاسخ مناسب و محکم ایران به رژیم صهیونیستی مشروعیت بخشیده است. دولت‌ها حق دارند در سرزمین معین خود اقداماتی انجام دهند و حق تصمیم‌گیری خواهند داشت؛ بنابراین هیچ دولت، نهاد و یا گروهی حق ندارد در خاک کشور دیگری دست به عملیات تروریستی، ترور و مانند آن بزند. هدف قرار دادن اسماعیل هنیه ترور است که مخالف موازین حقوق بشری می‌باشد. اسرائیل ایشان را به شیوه قتل هدفمند به شهادت رساند. یک عملیات مرسوم که چندین دهه است آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها که از آن برای حذف افراد استفاده می‌کنند. معمولاً نیز سعی دارند تا آن را با عناوینی چون دفاع پیش‌دستانه، قتل مظنونین به تروریست بودن و به بهانه دفع حمله قریب‌الوقوع، مشروع جلوه دهند. این در حالی است که هنیه غیرنظامی بود و پاسپورت دیپلماتیک داشت و در قواعد و موازین بین‌المللی فردی دارای مصونیت به شمار می‌رفت که نباید به هیچ عنوان آسیبی به وی می‌رسید. نکته‌ای که واضح است مشروع و قانونی بودن پاسخ موشکی جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز و ارتکاب جرایم اسرائیل در خاک ایران و ترور اسماعیل هنیه، سید حسن نصرالله و شهید نیلفروشان می‌باشد. در حقیقت ایران از حق ذاتی خود برای پاسخ به متجاوز و ایجاد بازدارندگی استفاده کرده است.

۱. دفاع مشروع

دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ منشور ملل متحد مجاز شمرده می‌شود. زمانی که حمله مسلحانه واقع شود، بحث دفاع از تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی و اتباع داخل کشور باشد و قصد دفاع از حقوق قانونی و منافع حیاتی باشد، دفاع مشروع معنا پیدا می‌کند (چمنی و ریاضی، ۱۴۰۲: ۱۰۸). ماده ۵۱ بیان می‌دارد: در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد و اقداماتی که اعضا برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند، باید فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند ولی این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و وظایفی که شورا بر طبق این منشور دارد و به موجب آن‌ها در هر موقع روشی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند می‌تواند اتخاذ کند تأثیری نخواهد داشت (منشور ملل متحد، ماده ۵۱).

دفاع مشروع بدین معنی است که هرگاه واقعاً نسبت به یک کشور تجاوز مسلحانه صورت بگیرد، آن کشور حق دارد تا به فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر یا هر وسیله ممکن، حتی اگر مخالف حقوق بین‌الملل هم باشد، تا جایی که عملیات دفاعی با حدود و دامنه تجاوز متناسب باشد، به زور متوسل شود و از خود دفاع نماید و دشمن تجاوزگر را سرکوب کند. دفاع مشروع باید شرایطی داشته باشد:

۱. عمل تجاوزکارانه باشد. در حقیقت اقدام تجاوزکارانه از طرف یک دولت حق دفاع مشروع را برای دولت دیگر به وجود می‌آورد.

۲. ضرورت، شرط دیگر است. ضرورت زمانی وجود خواهد داشت که اقدام به دفاع و استفاده از نیرو به منظور مقابله با تجاوز فوریت داشته باشد. تجاوز شدید و خردکننده و انتخاب راه دیگری ممکن نباشد و مجالی برای تأمل باقی نماند.

۳. کمیّت و کیفیت دفاع با تجاوز متناسب باشد. تعادل و تناسب رعایت شود و اقداماتی که جهت دفاع انجام می‌گیرد معقول و متناسب با عملیات تهاجمی باشد (زنده‌بودی، پورخاقان شاهرضایی و زمانی، ۱۳۹۹: ۳۴۱۹ و ۳۴۲۰).

۲. نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه در تهران

۲-۱. نقض حاکمیت و تمامیت ارضی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس حقوق بین‌الملل هیچ کشوری نباید مورد تعرض و تهاجم قرار بگیرد و از خاک آن برای ترور و یا عملیات نظامی و هرگونه تجاوز استفاده کرد. این در حالی است که رژیم صهیونیستی به صورت آشکارا اسماعیل هنیه را در خاک ایران مورد هدف قرار داد و با این ترور یکی از شخصیت‌های کلیدی محور مقاومت را به شهادت رساند. این ترور ضربه به منافع ایران نیز محسوب می‌شود.

قسمت ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد به این نکته اشاره دارد که اعضای سازمان در روابط بین‌المللی خود باید از توسل به تهدید یا استعمال قوه خواه بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر مملکت و خواه به هر نحو دیگری که مرام‌های ملل متحد متباین باشد خودداری کنند (منشور ملل متحد، ماده ۲). بنابراین اسرائیل با ترور شهید هنیه در تهران پایتخت جمهوری اسلامی ایران، به حاکمیت ملی کشور تعرض کرد و ماده ۲ را نقض نمود.

همچنین باید گفت که اقدام اسرائیل تجاوز و البته یک جنایت جنگی محسوب می‌شود. بر اساس ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۱ جنایت تجاوز طراحی، آماده‌سازی، شروع یا اجرای عمل تجاوزکارانه‌ای است که از سوی یک شخص با موقعیت مؤثر در اعمال کنترل بر یا در مقام راهبری اقدام سیاسی یا نظامی یک کشور است و اقدام مزبور به واسطه ویژگی، شدت و مقیاس موجود نقض فاحش منشور ملل متحد می‌باشد (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۸۸ مکرر).

۱. International Criminal Court: ICC

واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین‌الملل ◇ ۴۹

۲-۲. مصونیت اسماعیل هنیه به موجب پاسپورت دیپلماتیک

بر اساس ماده ۱۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۱، مأموران دیپلماتیک سه گروه می‌شوند و طبق ماده ۲۹، شخص مأمور دیپلماتیک مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف و بازداشت قرار داد. ضمناً مطابق ماده ۲۲ محل مأموریت و محل اقامت چنین اشخاصی نباید مورد آسیب قرار گرفته و امنیت آن خدشه‌دار شود (کنوانسیون وین، ماده ۱۴ و ۲۲ و ۲۹). وقتی که فرد دیپلماتیک مانند مأموران دیگر کشورها و احزاب سیاسی باید توسط کشور میزبان مورد احترام قرار بگیرند و بازداشت نشوند، پس به طریق اولی دولت‌های دیگر هم حق آسیب و ضربه به شخص مذکور را نخواهند داشت. اسماعیل هنیه پاسپورت دیپلماتیک داشته و دارای مصونیت بوده است، رژیم صهیونیستی با ترور رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران مرتکب جرم بین‌المللی و نقض قواعد حقوق بین‌الملل شده است.

کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأمورین سیاسی که در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۷ تصویب شد، در ماده یک قسمت دوم بیان می‌دارد: کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمان‌های بین‌المللی یا بین دولت‌ها هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسائل نقلیه، او، حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند، برخوردار گردد (کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مأمورین سیاسی، ماده ۱). دکتر اسماعیل هنیه پاسپورت دیپلماتیک داشته و بنابراین تحت حمایت بین‌الملل بوده است، به همین علت ترور ایشان کاملاً تعرض محسوب می‌شود.

۲-۳. ترور و تروریسم دولتی

تروریسم دولتی استفاده آگاهانه از خشونت یا تهدید به استفاده از چنین خشونت‌هایی به وسیله کارگزاران یک دولت یا افراد منصوب از جانب آن علیه افراد یا گروه‌هایی است که با هدف تهدید یا ارباب مخاطب گسترده‌تر قربانی می‌شوند، بنابراین قربانیان مستقیم، اهداف اصلی نیستند، بلکه ابزاری برای تهدید مخاطبان گسترده‌تری هستند که از طریق پیام آن خشونت تهدید می‌شوند. هدف از خشونت اعمال شده دستیابی به مقاصد سیاسی یا سیاسی - اقتصادی (بر خلاف اهداف مجرمانه یا مذهبی) است. به طور کلی تروریسم دولتی باید بالقوه خطرناک‌تر از تروریسم گروهی یا فردی تلقی شود. توانایی نیروهای دولتی از لحاظ نیروی انسانی، سطح آموزش و تکنولوژیکی بسیار برتر از واقعیت این است که حتی دولت‌های کوچک در مقایسه با تروریست‌های غیردولتی پیشرفته، توانایی بسیار بیشتری برای تروریزه کردن مردم دارند (ارومیه چی و جعفری طاهری، ۱۴۰۲: ۷۱).

تفاوت تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در اجراکننده آن است. بدین معنی که اجراکننده و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، تشکل‌ها و احزابند و مجری و طراح اعمال تروریستی دولتی یک یا چند دولت خاص هستند. (شهبازی، بسامی، ۱۴۰۱: ۳۸۹۲). ترور اسماعیل هنیه در تهران آن هم در مراسم تحلیف رئیس جمهور نمونه بارز توسل به زور و تروریسم دولتی و یک ترور سیاسی است و قوانین و قواعد مربوطه در خصوص ترور و تروریسم را نقض کرده است.

قانونگذار ایرانی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ و اصلاحیه بعدی آن، مصادیقی از تروریسم را بیان کرده است. در بند الف ماده یک این قانون، مهم‌ترین مصادیق ترور، ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص، اقدام آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی، به‌مخاطره‌انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر

واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین‌الملل ◇ ۵۱

کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس این تعریف، ترور اشخاص دارای قدرت تأثیرگذاری در جمهوری اسلامی یا سایر کشورها مصداق ترور دانسته شده است (کرمی، محمدخانی و طیب، ۱۴۰۱: ۳۴).

۲-۴. قتل هدفمند

در خصوص قتل هدفمند باید گفت به طور کلی قتل هدفمند قتلی فراقانونی است که از گذشته تاکنون به منظور کسب قدرت یا حذف مخالفان به کار گرفته می‌شود. دولت مجعول اسرائیل از ابتدای استقرار دولت نامشروع خود در سرزمین فلسطین اشغالی، برای تحکیم و قوام خود به ترور سیاسی و قتل هدفمند مخالفان پرداخته و آن را حق مشروع خود می‌داند. در حقیقت اسرائیل علاوه بر حملات نظامی ناقض حقوق بین‌الملل علیه مردم فلسطین به بهانه‌های واهی، به قتل هدفمند فرماندهان، مقامات و افراد غیرنظامی نیز می‌پردازد (علیاری تیریزی، ۱۳۹۸: ۱۴ و ۱۵). مسئله‌ای که به کثرت در این روزها و پس از اقدام و عملیات شجاعانه حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با نام طوفان الأقصى شاهد آن هستیم. اکنون که بیش از یک سال از طوفان الأقصى می‌گذرد، بیشتر از ۴۲۰۰۰ نفر از اهالی غزه که مردم عادی بوده‌اند به شهادت رسیده‌اند؛ در حالی که بیش از ۶۰ درصد شهدا کودکان هستند. فرماندهان مقاومت مانند سید حسن نصرالله، عباس نیلفروشان و اسماعیل هنیه و صالح العاروری نیز در این جریان ترور شده‌اند. همچنین در زمان نگارش این مقاله بر اثر عملیاتی در رفح در جنوب غزه یحیی سنوار نیز به شهادت رسید.

قتل هدفمند یک روش و شیوه خاص است و استفاده عمدی از نیروی کشنده علیه فرد یا افراد تعیین شده در زمان صلح و یا در حین جنگ می‌باشد. کسانی که شناخته شده و یا تصور می‌شود تهدیدی برای امنیت هستند به قتل می‌رسند. این موضوع ممکن است برای حذف، تضعیف یا شکست دادن و یا جلوگیری از حملات آینده انجام گیرد (بلنک، ۲۰۲۱: ۲۵۹ و ۲۶۰). بنابراین قتل هدفمند یکی از اقسام ترور محسوب می‌گردد؛ زیرا مقتول به صورتی غافلگیرانه کشته می‌شود.

یکی دیگر از بارزترین نمونه‌های قتل هدفمند، ترور سردار قاسم سلیمانی است که آمریکا آن را در حقوق داخلی خود موجه و مشروع جلوه داده است (عزیزی، ۱۳۹: ۱۳۰). سال‌هاست رژیم صهیونیستی شیوه قتل هدفمند^۱ را در پیش گرفته‌اند. ترور شهید دکتر اسماعیل هنیه از همین باب بود که وقاحت و حد و مرز نداشتن اسرائیل را نشان می‌دهد. ایشان در حالی در خاک ایران ترور شد که پاسپورت دیپلماتیک داشت و مهمان جمهوری اسلامی بود. در حقیقت اسرائیل به دلیل حقد و کینه از شهید هنیه به سبب ضربات سنگین ایشان به رژیم صهیونیستی دست به ترور زد.

از آن جا که رهبر حماس نه در جریان مخاصمه فعال در سرزمین طرف‌های درگیری و نه در حال مشارکت مستقیم در جنگ به قتل رسیده، این رخداد به هیچ عنوان تحت قواعد حقوق بشردوستانه توجیه نخواهد شد و در واقع حق حیات شخص قربانی بر خلاف موازین حقوق بشر و تحت عنوان اعدام فراقضایی یا قتل فراقانونی سلب شده است. (شمسی و سلیمانی، ۱۴۰۳: ۱۲۷)

۲-۵- عدم توسل به زور^۲

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بیان می‌دارد: کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد، خودداری خواهند نمود (منشور ملل متحد، ماده ۲). بند چهارم با استفاده از عبارت زور به طور کلی آن را به معنای نیروی مسلح تفسیر کرده است، یعنی استفاده عمدی عملیات نظامی یک کشور علیه کشور دیگر. این اعمال زور می‌تواند مستقیم باشد، همچون یک حمله عمدی توسط نیروهای مسلح علیه کشور دیگر، یا آن که غیرمستقیم باشد، همچون موردی که گروه‌های غیرمتعارف مانند چریک‌ها یا پارتیزان‌ها به

۱. Targeted Killing.

۲. The principle of non-use of force.

واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین‌الملل ◇ ۵۳

نیابت دست به عملیات بزنند. هر دو مثال به عنوان تجاوز نام‌گذاری می‌شود که البته به معنای آن است که قاعده حقوقی عدم مداخله نقض شود (شیخ زاده، محمودی، ۱۴۰۱: ۴).

اصل ممنوعیت توسل به زور از دستاوردهای مهم سازمان ملل متحد در جهان معاصر و حقوق بین‌الملل است که موجب ایجاد محدودیت برای کشورها در کاربرد زور شده است. البته به رغم تثبیت این اصل، در برخی موارد واحدهای سیاسی توسل به زور را با توجیحات مختلف مشروع جلوه می‌دهند (علیخانی، ۱۳۹۴: ۵۷). اسرائیل که از نظر سازمان ملل متحد یک کشور محسوب می‌شود، هیچگونه حقی برای ترور یک فرد دارای مصونیت دیپلماتیک در خاک یک کشور دیگر را ندارد. همچنین لازم به ذکر است دو استثناء بر اصل عدم توسل به زور وجود دارد: دفاع مشروع و اقدام شورای امنیت جهت حفظ صلح. با توجه به این موضوع اسرائیل نمی‌تواند اقدام وحشیانه خود در تهران را بر هیچ اساسی توجیه نماید. البته که رژیم به طور آشکار و بدون هیچ ترسی از مجازات و محاکمه جنایات و جرایم متعدد را مرتکب می‌گردد. لکن دقیقاً ایران از این استثناء یعنی ماده ۵۱ برای پاسخ بازدارنده به رژیم صهیونیستی در مقابل ترور شهید هنیه و البته ترور سیدحسین نصرالله و سردار عباس نیلفروشان استفاده نمود.

۲-۶. نقض حق حیات

در انتها به بدیهی‌ترین حقی که در اثر اقدام اسرائیل نقض شده می‌پردازیم. حق حیات بنیادین‌ترین حق انسانی است. دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر حق حیات است. اهمیت این حق تا بدانجا است که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰). حق حیات اساس بهره‌مندی از سایر حقوق بشری است (بابایی خورزوقی و زمانی، ۱۳۹۷: ۸۸۵). ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی بیان می‌دارد: حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

با توجه به این مطلب، ترور شهید هنیه نقض بارز و آشکار این ماده است. سال‌هاست که رژیم صهیونیستی با کشتار و نسل‌کشی و ترور قواعد و اصول بین‌المللی و حقوق بشری مانند حق حیات را زیر پا گذاشته است. به شهادت‌رساندن بیش از ۴۲۰۰۰ نفر از مردم غزه و چند هزار نفر از مردم لبنان و دیگر کشورهای محور مقاومت پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ یک فاجعه بین‌المللی و انسانی محسوب می‌گردد.

۳. بررسی مشروعیت حقوقی پاسخ جمهوری اسلامی ایران در برابر ترور اسماعیل هنیه

سپاه پاسداران ایران در ۱۰ مهر ماه ۱۴۰۳ در عملیاتی به نام وعده صادق ۲ نقاط مهمی از اراضی اشغالی را موشکباران کرد. ایران دلیل این اقدام را اینطور بیان نمود: پس از یک دوره خویشتن‌داری در برابر نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ترور مجاهد شهید دکتر اسماعیل هنیه توسط رژیم صهیونیستی و برابر حق کشور در دفاع مشروع از خود برابر منشور ملل متحد و تشدید شرارت‌های رژیم با حمایت آمریکا در قتل عام مردم لبنان و غزه و به شهادت‌رساندن مجاهد کبیر رهبر محور مقاومت و دبیرکل سرفراز حزب الله سید حسن نصرالله و شهادت فرمانده رشید و مستشار عالی سپاه پاسداران در لبنان سرلشکر پاسدار سید عباس نیلفروشان، نیروی هوافضای سپاه پاسداران با پرتاب ده‌ها موشک بالستیک، اهداف مهم نظامی امنیتی را در قلب سرزمین‌های اشغالی مورد هدف قرار داد. در انتها نیز گوشزد شد که این عملیات که منطبق بر حقوق قانونی کشور و قوانین بین‌المللی است، دفاع مشروع استثناء بر اصل عدم توسل به زور محسوب می‌شود. ممکن است پس از شهید هنیه فرد دیگری در داخل ایران ترور شود و یا تجاوزی به خاک ایران یا منافع آن صورت بگیرد، لذا پاسخ ایران کاملاً لازم، قانونی و به‌جا و با هدف بازدارندگی بود. زمانی که شورای امنیت با سهل‌انگاری مانع جنایات اسرائیل نمی‌شود، بایستی دفاع کوبنده و محکم صورت گیرد. ایران از حق ذاتی خویش یعنی دفاع از خود استفاده کرده است.

واکاوی ابعاد ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران از منظر تحولات نقض قواعد حقوق بین‌الملل ◇ ۵۵

ماده ۵۱ منشور ملل متحد توسل به زور را به‌عنوان حق ذاتی دفاع از خود را تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه اجازه می‌دهد. آن گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ در چندین پرونده مکرر اعلام داشته است: «اعمال حق دفاع از خود منوط به آن است که دولت مدعی حق، قربانی یک حمله مسلحانه بوده باشد» (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۶۹). در قضیه ترور شهید هنیه، حاکمیت ارضی و سیاسی ایران توسط رژیم صهیونیستی نقض شد و ایران می‌بایست حمله و پاسخی را ترتیب دهد که آنقدر شدت داشته باشد که پاسخی متناسب با اقدامات اسرائیل باشد. ترور هنیه اقدامی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد و حمله موشکی انجام گرفته به هیچ نحو با قواعد بین‌الملل مغایرت نداشته و کاملاً از وجاهت قانونی برخوردار است. ایران ابزارهای حقوقی مختلفی مانند ماده ۵۱، ماده ۲ منشور ملل متحد، بند ۲ ماده ۷ منشور ملل متحد و ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری برای دفاع از اقدام قانونی خویش در اختیار دارد.

نتیجه گیری

ترور شهید دکتر اسماعیل هنیه از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مسئله‌ای است که در آن حقوق بشر و قواعد حقوق بین‌الملل به طور فاحش نقض می‌گردد. ترور ایشان توسط رژیم صهیونیستی در تهران انجام شده، اقدامی غیرقانونی، ضدبشری و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را مورد تعرض قرار داده است. شهید هنیه، از لحاظ حقوق بین‌الملل دارای مصونیت دیپلماتیک بود بنابراین قتل هدفمند وی در خاک کشور ثالث نقض صریح قواعد بین‌المللی و تجاوز به خاک کشورمان محسوب می‌گردد. با توجه به این که اسرائیل این عمل مجرمانه را به خود منتسب کرده است، مسئولیت آن به طور کامل متوجه این رژیم و حامیان اوست، پاسخ موشکی جمهوری اسلامی ایران طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد و متناسب با جرم واقع شده بود و کاملاً

۱. International Court of justice ICJ:

مطابق و منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل بود. با وجود قانونی و مشروع بودن پاسخ ایران به عنوان دفاع از خود، رژیم صهیونیستی در تجاوزی آشکار و وقیحانه در ۵ آبان ۱۴۰۳ با حمله موشکی به ایران حمله کرد که این اقدام مجرمانه رژیم نقض حقوق ایران محسوب می‌گردد و ایران حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند.

منابع و مأخذ



۱. ارومیه چی ها، زهرا و جعفری طاهری، حسین. (۱۴۰۲). «تروریسم بین الملل و تحدید حق بر توسعه؛ با تأکید بر اقدامات گروهک تروریستی پژاک»، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، دوره ۱۵، شماره ۵۷.
۲. بابایی خورزوقی، نوید؛ زمانی، سید قاسم. (۱۳۹۷). «حق حیات در پرتو حیات: امکان یا امتناع»، حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۳.
۳. چمنی، ساسان؛ ریاضی، وحید. (۱۴۰۲). «بررسی و مقایسه دفاع مشروع از نگاه اسلام و حقوق بین الملل»، سیاست دفاعی، دوره ۱۲۲، شماره ۳۲.
۴. زنده بودی، محسن؛ پورخاقان شاهرضایی، زینب؛ زمانی، مسعود. (۱۳۹۹). «جایگاه دفاع مشروع از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر جنگ های نیابتی»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، شماره ۳.
۵. شهبازی، زهرا؛ بسامی، مسعود. (۱۴۰۱). «تروریسم دولتی در حقوق بین الملل؛ با نگاهی بر ترور سردار قاسم سلیمانی»، ماهنامه علمی جامعه شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۱.
۶. شمس، محمد عارف؛ سلیمانی، سیروان. (۱۴۰۳). «ابعاد حقوقی ترور رهبر سیاسی حماس در تهران»، مجموعه مقالات تالار گفتگو به مناسبت اولین سالگرد جنگ غزه به کوشش شورای دبیران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۷. شیخ زاده، کامران؛ محمودی، یوسف. (۱۴۰۱). «بررسی مبانی اسلامی و حقوقی اصل عدم توسل به زور در عرصه بین المللی»، قانون یار، دوره ۵، شماره ۲۱.
۸. عزیز، ستار. (۱۳۹۹). «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲.

۹. علیاری تبریزی، بهاء‌الدین. (۱۳۹۸). «قتل هدفمند در آئینه اصول و مبانی حقوق بین‌الملل (با تأکید بر قتل‌های هدفمند رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا به ویژه قتل هدفمند سپهبد شهید قاسم سلیمانی)»، پژوهشنامه حقوق بشری، دوره ۳، شماره ۵.
۱۰. علیخانی، مهدی. (۱۳۹۴). «قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴.
۱۱. فضائی، مصطفی. (۱۳۹۹). «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور»، پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲.
۱۲. قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۷۹). «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲.
۱۳. کرمی، سعید؛ محمدخانی، محمدرضا؛ طیب، محسن. (۱۴۰۱). «ترور سردار سلیمانی از منظر اصول و قواعد حقوقی»، سیاست دفاعی، دوره ۳۱، شماره ۱۱۸.
۱۴. کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله مامورین سیاسی
۱۵. منشور سازمان ملل متحد
۱۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی
۱۷. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
۱۸. کنوانسیون وین ۱۹۶۱

منابع انگلیسی

- Blank, Laurie. R (۲۰۲۱). Analyzing the Legality and Effectiveness of U.S. Targeted Killing, *Journal of National Security Law & Policy*, v ۱۳

مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران

زهرا عسکری^۱

داود رضایی^۲



چکیده

تحقیق حاضر به مطالعه جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران پرداخته است. در قانون اساسی هر دو کشور تحصیل برای کودک به عنوان حق در نظر گرفته شده است و دولت مکلف به ارائه خدمات رایگان آموزشی برای کودکان می باشد. ممانعت کودک از تحصیل که در هر دو نظام کیفری جرم انگاری شده، در دو مرحله از پژوهش پیش رو بررسی می شود: در مرحله نخست پیشینه جرم انگاری ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران بیان گردیده است. در حقوق کیفری افغانستان با تصویب کُد جزای مصوب سال ۱۳۹۶ و اولین بار در ایران، با تصویب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۵۳ ممانعت کودک از تحصیل جرم انگاری شده است. در مرحله دوم از تحقیق ارکان تشکیل دهنده جرم ممانعت از تحصیل کودک، تحلیل و بررسی گردیده است. که در رکن مادی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع) تهران.

askarizahra859@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع) تهران. (نویسنده

مسئول). rdayyd377@gmail.com

و معنوی هر دو نظام مشابهت‌های وجود دارند. لیکن در رکن قانونی دانسته می‌شود که، در افغانستان قانون‌گذار در مقابل این کنش مجرمانه واکنش شدیدتر نسبت به قانون‌گذار ایران در پیش‌گرفته است. تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: کودک، منع تحصیل، کودک‌آزاری، حقوق کیفری افغانستان، حقوق کیفری ایران.

مقدمه

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه الا و ان الله یحب بغات العلم» (مشکات الانوار فی غرر الأخبار، ج ۱، ص ۲۶۳). آموختن علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است، بدانید که خداوند دانشجویان را دوست دارد» بنابر آن چه از آموزه‌های اسلامی، خصوصاً آیات و روایات و دلالت‌های عقل است می‌رساند، که تحصیل علم بر هر فرد واجب است. لذا به گفته اصولیون مقدمات واجب نیز واجب است، که گاه والدین و گاهی حکومت مکلف به تهیه مقدمات تحصیل کودکان هستند، هم‌چنین این مقوله از بُعد اجتماعی و پیشگیری از جرم بسیار حائز اهمیت بوده است و دارای آثار، فواید و برکات اجتماعی فراوانی می‌باشد و لذا برخی قوانین خاص در ایران و کُند جزا در افغانستان به این موضوع پرداخته‌اند. پس اعمال درست و دقیق این قوانین حمایتی اطفال نیاز به ضمانت اجرای کیفری و خصوصاً جرم‌انگاری منطقی دارند. (قلعه جوقی، علی‌شاهی و بقیه ۱۴۰۱: ۷۰-۷۱).

یکی از وظایف تربیتی والدین در برابر کودکان، فراهم آوردن وسایل و امکانات تحصیلی آنهاست. این تکلیف امروزه از آن جهت که تربیت از حوزه خانواده خارج شده و به عهده نهادهای دولتی و مدنی گذاشته شده است، مورد توجه می‌باشد. قانون‌گذار افغانستان و ایران نیز تحصیل را برای کودک یک حق در نظر گرفته‌اند. قانون اساسی افغانستان که «قانون مادر» هم خوانده شده در ماده ۴۳ چنین مقرر می‌دارد:

«تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می‌کنند فراهم کند». این مطلب در اصل ۳۰ قانون اساسی ایران هم چنین تبیین گردیده است: «دولت موظف است وسایل آموزش

و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

اگر مواد فوق در عرض هم قرار گیرد، نکات ذیل از آن‌ها استنباط می‌گردند: یک، تعلیم و آموزش در قانون اساسی افغانستان به‌عنوان یک حق دانسته شده، و تعلیمات دوره متوسطه در افغانستان اجباری قرار داده شده است و دوم، این‌که در افغانستان دولت تا درجه لیسانس (کارشناسی) زمینه تحصیلات عالی رایگان را برای اتباع خویش مهیا می‌سازد، این موارد در قانون اساسی ایران هم بوده است. با این تفاوت که در ایران آموزش اجباری نبوده و دولت برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه وسایل آموزشی فراهم ساخته و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان برای همه ملت گسترش می‌دهد (رضایی، معتمدی ۱۳۹۵: ۵۶-۶۰).

با این اوصاف، قانون‌گذاران هر دو نظام حقوقی ممانعت از تحصیل کودک را جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته‌اند. در این مقاله این جرم به صورت تطبیقی در هر دو نظام حقوقی افغانستان و ایران به گونه‌ای مستند و مستدل بررسی می‌شود، نخست پیشینه جرم‌انگاری آن به تفکیک در هر دو نظام حقوق افغانستان و ایران و سپس در دومین مرحله به عناصر تشکیل‌دهنده (قانونی، مادی و معنوی) و پاسخ‌دهی کیفری آن در هر دو نظام حقوقی افغانستان و ایران پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل کودک در حقوق ایران و افغانستان

با نگاهی گذرا به پیشینه جرم‌انگاری و سابقه تاریخی این جرم، در نظام حقوقی هر دو کشور در می‌یابیم که، اولین بار در ایران قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۵۳ ممانعت کودک از تحصیل در مواد ۱ تا ۳ آن جرم‌انگاری گردیده بود، و هم‌چنین در ماده ۴ آن مقرر گردیده بود: «هریک از پدر و مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوانان کمتر از هجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد، و با داشتن

مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران ◇ ۶۳

امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوطه از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع کند، یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مرجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد، هرگاه پس از ابلاغ حکم پدر و مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال و تأمین معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد».

ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران مصوب ۱۳۸۱ نیز به این موضوع چنین پرداخته بود: «هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد».

همین‌طور قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران مصوب ۱۳۹۹ که در ۴ فصل و ۵۱ ماده تنظیم شده است، در بند ح ماده ۳ این قانون، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل را مصداق وضعیت مخاطره‌آمیز و توجیه‌کننده مداخله قانونی دانسته است. هم‌چنین در بند چ ماده ۶، آن وزارت آموزش و پرورش را موظف به شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان منع شده یا بازمانده از تحصیل می‌کند. در ماده ۷ و تبصره آن نیز علاوه بر جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه و تعیین مجازات برای آن، در صورت تکرار این ممانعت مجازات شدیدتری از نوع تعزیری درجه ۶ برای آن پیش‌بینی کرده است. (علی‌شاهی، ۱۴۰۱: ۷۵).

قانون‌گذار ایران درجه مجازات‌ها را در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مشخص نموده است، که تعزیر درجه ۶ در آن حبس بیش از ۶ ماه تا دو سال یا جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد و چهل میلیون ریال تعیین گردیده است. سرانجام در قانون مجازات

اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ نیز قانون‌گذار در فصل دهم از بخش اول، کتاب اول ذیل عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، در تبصره ماده ۸۸ مقرر نموده است: «هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید: ... ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی». قانون‌گذار ایران در این ماده توجه خاص به مقوله تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان داشته است، به نحوی که مصلحت طفل را در تعلیم و تربیت و سپردن به مؤسسه‌ها آموزشی می‌داند (قلعه جوقی، ۱۴۰۱: ۷۳).

در افغانستان در کُد جزاء نافذ سال ۱۳۹۶ در باب پنجم (جرایم علیه تطبیق عدالت) و در فصل یازدهم (جرایم نقض حقوق طفل) در ماده ۶۰۹ ذیل عنوان محرومیت طفل از حق تعلیم، آموزش و دسترسی به خدمات صحی جرم‌انگاری گردیده است، و برای مرتکب آن مجازات (کیفر) تعیین نموده است. از مطالب فوق بدست می‌آید که از لحاظ پیشینه‌ای جرم‌انگاری، جرم ممانعت از تحصیل کودک در نظام حقوقی ایران دارای قدامت بیشتر نسبت به افغانستان بوده است، که نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار ایران به اطفال و نوجوانان می‌باشد، لیکن در حقوق افغانستان هرچند جرم‌انگاری این عمل دارای قدمت هفت‌ساله است. اما واکنش قانون‌گذار افغانستان در مقابل این کنش مجرمانه نسبت به قانون‌گذار ایران شدیدتر بوده و مجازاتش سنگین‌تر است. وانگهی، در قانون مجازات اسلامی ایران واکنشی کیفری خاصی نسبت به این جرم در نظر گرفته نشده است، این مورد نیز جای تأمل را دارد (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۵).

۲. ارکان تشکیل دهنده جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق ایران و افغانستان

عناصر تشکیل دهنده جرم ممانعت از تحصیل کودک را در قالب: عنصر قانونی، عنصر مادی که خود متشکل از اجزای همچون: رفتار فیزیکی، شرایط، اوضاع و احوال و نتیجه در جرایم مقید

مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران ◇ ۶۵

می‌باشند (میرمحمدصادقی ۱۴۰۳، ۹۶). در نهایت امر عنصر معنوی را به مطالعه و بررسی گرفته و اهتمام ورزیده می‌شود، تا در خلال بررسی و مطالعه، به‌گونه‌ای مقایسه و تطبیقی هم گردد.

۱-۲. رکن قانونی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق ایران و افغانستان

در نظام حقوقی ایران در ماده‌ی ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ نیز بیان نموده است: «هریک از پدر و مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوانان کمتر از هجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوطه از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد امتناع کند، یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مرجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد. هرگاه پس از ابلاغ حکم پدر و مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید، یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال و تأمین معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد». کُد جزای افغانستان در ماده ۶۰۹ تبیین نموده: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال آتی گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد: ۱- محروم ساختن طفل از حق تعلیم، آموزش فنی و مسلکی. ملاحظه می‌گردد اگر شخصی مرتکب جرم ممانعت کودک از تحصیل گردد مطابق کُد جزای افغانستان به یکی از دو مجازات فوق الذکر محکوم می‌گردد، علاوه از کُد جزا در قانون حمایت حقوق طفل افغانستان نیز آموزش اطفال را به صراحت به‌عنوان یک حق مورد پذیرش قرار داده و در ماده ۴۸ چنین بیان می‌دارد: «اطفال اعم از پسر و دختر مطابق احکام قانون دارای حق مساوی بهره‌مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیت می‌باشد».

این قانون در ماده ۴۸ تعلیمات متوسطه یا اساسی را در افغانستان اجباری دانسته و در بند ۲ آن به‌صراحت بیان می‌دارد که تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب (مدرسه)، دوره‌های تعلیمات متوسطه ثانوی، تخریکی، مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی برای اطفال به صورت رایگان تأمین می‌گردد. در ماده ۵۰ این قانون، وزارت معارف (آموزش و پرورش) مکلف گردیده است که به‌منظور دسترسی کودکان به آموزش و پرورش، تدابیر لازم را اتخاذ نماید. افرون بر این‌ها در ماده ۵۱ تصریح شده است که هیچ شخص به شمول والدین، سرپرست یا کارفرما، حق ندارد که مانع آموزش کودک گردیده و آن را از آموزش محروم سازد (شفق، ۱۴۰۰: ۴۴).

۲-۲. رکن مادی^۱ جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق ایران و افغانستان

عنصر مادی هر جرم که عبارت از وقوع آن جرم در عالم خارج می‌باشد و ذیل آن رفتار فیزیکی و سپس شرایط، اوضاع و احوال جرم ارتكابی و نتیجه جرمی که آیا این جرم مقید به نتیجه است یا خیر؟ به ترتیب بحث و بررسی می‌گردد.

۲-۲-۱. رفتار فیزیکی^۲

در بند ۴ ماده ۶۹ قانون حمایت حقوق طفل افغانستان، رفتار فیزیکی جرم موضوع بحث از نوع فعل (منع تحصیل) یا ترک فعل (عدم فراهم‌سازی زمینه تعلیم و تحصیل) است که هر یک زمینه‌ساز ارتكاب جرم می‌شوند. هم‌چنین با توجه به ماده‌ای ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، رفتار فیزیکی جرم موضوع بحث از نوع فعل (جلوگیری از تحصیل) یا ترک فعل (عدم تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک) است که هر یک به تنهایی می‌تواند جرم را محقق سازد (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۳۴۶).

۱. Actus reus: physical element of crime.

۲. Physical conduct.

مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران ◇ ۶۷

پس ممانعت از تحصیل کودک در هر دو نظام حقوقی می‌تواند با فعل و ترک فعل تحقق یابد، فعل مانند اینکه کودک را زندانی کرده، از رفتن وی در مکتب و مدرسه جلوگیری به عمل آید و ترک فعل مانند عدم شمولیت کودک در مکتب یا عدم ثبت نام وی در مدرسه است (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۴۵۲).

مطابق قانون تأمین امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان در ایران مصوب ۱۳۵۳، والدین یا سرپرستان قانونی کودک که وظیفه نگه‌داری وی را به عهده دارند، موظفند در خصوص ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کنند.

۲-۲-۲. شرایط، اوضاع و احوال^۱

شرایط لازم برای تحقق جرم ممانعت از حق تحصیل کودک در ایران و افغانستان در پنج فقره به قرار ذیل قابل بررسی است:

الف) زیر هجده سال بودن سن مجنی علیه

قانون حمایت حقوق طفل افغانستان ماده ۴۹ تعلیمات رایگان و اجباری کودک را بیان نموده: «(۱) تعلیمات متوسطه یا اساسی در افغانستان اجباری می‌باشد. (۲) تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب، دوره‌های تعلیمات متوسطه ثانوی، تخنیک، مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی برای اطفال به صورت رایگان تأمین می‌گردد و در ماده بعدی مکلف بودن دولت را چنین تبیین نموده است: «وزارت معارف مکلف است به منظور دسترسی اطفال به تعلیم، تربیت و آموزش تدابیر ذیل را اتخاذ نموده و عملی نماید:

۱. فراهم نمودن زمینه تعلیم و تربیت متوسطه و اجباری در سطح کشور؛

۲. توسعه تعلیمات ثانوی به شمول تعلیم و تربیت عمومی و حرفه‌ای رایگان و اعطای مساعدت مالی در صورت نیاز و توانایی مالی دولت به نیازمندان؛

۱. Surrounding circumstances.

۳. تهیه اطلاعات و رهنمایی لازم تعلیمی و مسلکی و تأمین دسترسی به آن‌ها؛
۴. تشویق والدین یا ممثلین قانونی طفل برای شمولیت اطفال در مؤسسات تعلیمی و تربیتی؛
۵. طرح و تطبیق برنامه‌های لازم جهت تشویق به حاضری و پایبندی منظم اطفال به مکتب و کاهش سطح ناکامی و اخراج آن‌ها از مکاتب؛
۶. نظارت از طرح و تطبیق نصاب تعلیمی و پروگرام‌های درسی مکاتب اعم از دولتی و خصوصی مطابق معیارهای بین‌المللی.

ماده‌ای ۳ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ باری تکمیل الزام وزارت آموزش و پرورش، دولت را مکلف نموده است که امکانات لازم را برای ادامه تحصیل نوجوانانی که دوره راهنمایی را به پایان رسانده و طبق ضوابط برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته شده‌اند، فراهم آورد. پس والدین نیز مکلف به استفاده از این امکان در جهت ارتقای تحصیلی فرزند خود هستند (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۳۴۸). قراردادن تکلیف والدین تا ۱۸ سالگی، این ایراد را دارد که اگر کودک یا نوجوان موفق به طی سنوات تحصیلی، به طور مستمر و بدون وقفه نشود یا در یک یا چند پایه مردود شود به نحوی که تا هجده سالگی دوره متوسطه را به پایان نرساند، والدین وی تکلیفی در فراهم آوردن امکانات ادامه تحصیل او ندارد. لذا هزینه تحصیل را باید از مصادیق نفقه فرزند کبیر خارج کرد (نظر مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه به تاریخ ۱۳۵۷/۵/۵).

ب) مسئولیت مرتکب به تأمین مخارج زندگی کودک

ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق اطفال افغانستان مصوب ۱۳۹۷ مکلفیت دولت را تبیین نموده: «وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی ذیربط مکلفند، به منظور مساعدت به ممثل قانونی طفل به نظر داشت امکانات مالی مربوط تدابیر اتخاذ نمایند که آن‌ها بتوانند به وسیله آن برای طفل غذا، لباس و سرپناه مناسب تهیه و وضع زندگی طفل را بهبود بخشند. ماده ۱۷ قانون حمایت از کودک و نوجوانان بی سرپرست ایرانی مصوب ۱۳۹۲: «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوانان از

مطالعه تطبیقی جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق افغانستان و ایران ◇ ۶۹

لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه با رعایت تبصره ماده (۱۵) و احترام، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است، کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند». ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار افغانستان دولت را مکلف به حمایت مالی از کودک نموده اما مقنن ایران این تکلیف را به‌دوش سرپرست نهاده است و کودک را نیز مکلف به رعایت احترام سرپرست خویش نموده است (پویا، ۱۴۰۱: ۹۴-۹۶).

ج) تمکن مالی مرتکب

تمکن مالی باید در سطح امکانات اولیه باشد اما بیشتر از آن در افغانستان به‌دوش دولت بوده و در ایران والدین باید حداقلی از وسایل و امکانات تحصیلی کودک را فراهم کنند و بقیه امور به‌دوش دولت است زیرا دولت مکلف به فراهم‌سازی زمینه آموزش رایگان برای کودک است. لذا این مورد نیز یکی از مزیت‌های نظام حقوقی افغانستان نسبت به ایران بوده، چون بستر آموزش را در جامعه برای همه‌ی افراد اعم از طبقه‌های فرادست و فرودست باید دولت فراهم‌سازد، زیرا آموزش در یک جامعه از لوازم ترقی، رفاه انسانی و اخلاقی شدن آن می‌باشد.

د) واجد شرایط تحصیل بودن کودک یا نوجوان

قانون‌گذار افغانستانی برای تحصیل کودک شرط در نظر نگرفته است فقط در ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال تبیین نموده است که: «طفل: شخصی است که سن هجده‌سالگی را تکمیل نکرده باشد». ماده‌ی ۳۷ قانون حمایت حقوق طفل چنین تبیین نموده: «(۱) وزارت معارف مکلف است در همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی کورس‌های حرفوی و آموزشی را متناسب با توانایی‌ها و استعداد اطفال دارای معلولیت غرض آموزش آن‌ها، تدویر نماید».

ماده ۳ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی ثبت‌نام نوجوانانی که دوره راهنمایی را طی کرده و طبق ضوابط وزارت آموزش و پرورش، برای تحصیلات بالاتر مستعد شناخته شده را ضروری دانسته است با این شرط، ارتکاب جرم ممانعت از تحصیل کودک درباره کودکی که توانایی ذهنی برای تحصیل در مدارس عادی را ندارد یا به گونه‌ای

مردود شده که شرط تحصیل در دوره‌های عادی (روزانه) را از دست داده است، قابل تحقق نیست (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۴۴۹).

ه) فراهم‌بودن موجبات تحصیل رایگان در آن منطقه

قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۳ تبیین نموده: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند». در ماده فوق یکی از تکالیف دولت این است که به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، زمینه درس را برای اتباع کشور مهیا نماید، اصطلاح «تمام اتباع» مندرج ماده فوق بیان‌گری این است که قاعده‌ی عام می‌باشد، شامل حقوق همه اتباع بوده، که دولت مکلف است، به ارائه خدمات تحصیلی رایگان در همه نقاط کشور حتی، محلات صعب‌العبور. (حضرتی و شفق، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶).

این مطلب در اصل ۳۰ قانون اساسی ایران چنین تبیین گردیده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». قانون‌گذار هردو کشور دولت را موظف نموده است تا زمینه تحصیل را برای اتباع و ملت خویش فراهم سازد، زیرا در مواد هردو قانون بدون قید و شرط می‌باشد بنابراین دولت مکلف است زمینه آموزش را برای کودکان فراهم سازد گرچه در دورترین نقطه جغرافیای افغانستان زندگی نمایند.

۳-۲-۲. نتیجه^۱

جرم موضوع بحث، از جمله جرایم مطلق است که در هر دو نظام حقوقی افغانستان و ایران تحقق نتیجه خاصی از آن انتظار نمی‌رود، اگرچه ممکن است در عمل از ارتکاب این جرم ضرری متوجه کودک و نوجوان شود اما برای ارکان جرم، تکمیل موضوع بحث منوط به بررسی وقوع چنین ضرری نیست (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۳۵۰). همین‌طور این جرم از جرایمی است که نیاز به شاکی خصوصی ندارد و قابل گذشت نمی‌باشد.

۳-۲-۳. رکن معنوی^۲ جرم ممانعت از تحصیل کودک در حقوق ایران و افغانستان

واژه‌های «امتناع» و «جلوگیری» عمدی بودن جرم را می‌رسانند، اما در باب امتناع به نظر می‌رسد که اگر والدی با دارابودن امکانات مالی در ایران و دولت با دارابودن امکانات در افغانستان، از روی سهل‌انگاری وسایل موجبات تحصیل کودک و نوجوان را فراهم نیاورند، مشمول این قانون خواهد گردید. در تعبیر این نظر باید گفت در کلمه امتناع، عمد نهفته است و نحوه نگارش این مواد می‌رساند که قانون‌گذار هر دو کشور عمد والد در ایران و استطاعت دولت در افغانستان را به رغم دارابودن استطاعت مالی، اگر موجبات تحصیل کودک را فراهم نمی‌آورد، جرم فرض نموده است. این تعبیر در خصوص رفتار «جلوگیری» از آن جهت که از نوع فعل است، پیش نخواهد آمد و جلوگیری از تحصیل طفل به طور عمد ارتکاب می‌یابد (سادات اسدی، ۱۳۹۷: ۳۵۰).

نتیجه‌گیری

مطالب بیان‌شده در این مقاله ما را به این نتیجه می‌رساند، که تعلیم و تحصیل اولاً در دین مقدس اسلام به‌عنوان فریضه‌ای الهی معرفی گردیده است. ثانیاً در قوانین اساسی افغانستان و ایران به‌عنوان حق قانونی لازم‌الاجراء برای کودک، تبیین و تصویب گردیده است. و ثالثاً در

۱. Result: outcome.

۲. Mens rea: mental element of crime.

قوانین کیفری افغانستان و ایران رفتار علیه آن جرم‌انگاری گردیده است. بنابراین اشخاصی که باعث ممانعت تحصیل کودک می‌گردند، مجرم شناخته شده و قانون‌گذاران هر دو کشور برای آن تعیین مجازات نموده که به نظر نگارنده واکنش قانون‌گذار افغانستان نسبت به ایران شدیدتر است. با استدلال بر این که، در افغانستان این مورد مسئله‌ای چالش‌برانگیز شده بود و از سوی دیگر از اثرات سایه‌افکندن کنواسیون بین‌المللی کودک برای کشورهای عضو می‌باشد. لذا جرم ممانعت از تحصیل کودک در کُد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶ اولین بار جرم‌انگاری گردید. و برای مرتکبین آن جزای حبس قصیر و یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی در نظر گرفته شده است و هر دو مجازات طبق ماده ۱۳۸ کُد جزاء از جزاهای اصلی است که برخورد شدید قانون‌گذار را نمایان می‌کند. اما پیشینه جرم فوق در ایران برمی‌گردد، به سال ۱۳۵۳ که در ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان که مرتکب را به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم نموده بود، و به موجب ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ این مجازات تشدید گردیده است.

منابع و مأخذ



۱. پویا، محمدجان. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی کودک‌آزاری در حقوق کیفری افغانستان و ایران»، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (علیهم‌السلام) تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی.
۲. جعفری، اکبر. (۱۳۹۸). «نوآوری‌های گد جزای افغانستان در خصوص جرایم ناقص حقوق اطفال»، دانشگاه قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی.
۳. حضرتی، غلام‌دستگیر و عبدالحق شفق. (۱۳۸۲). آموزش حقوق طفل در افغانستان، انتشارات بهیر، کابل، چاپ اول.
۴. رضایی، مبارک و زهرا معتمدی. (۱۳۹۵). وضعیت حقوق بشر در افغانستان در سال ۱۳۹۵، دفتر مرکزی کمیسیون حقوق بشر افغانستان.
۵. سادات‌اسدی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفری، فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) واحد خواران، شماره ۴۵ و ۴۶.
۶. سادات‌اسدی، لیلا. (۱۳۹۷). حقوق کیفری خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم.
۷. شفق، عبدالحق. (۱۴۰۰). «حقوق کودک در قوانین افغانستان و کنواسیون حقوق کودک»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدالت و انصاف.
۸. صلاحی، جاوید. (۱۳۸۸). بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات میزان، چاپ ششم.

۹. طبرسی، علی بن حسن بن فضل. (۱۳۸۵). *مشکات الانوار فی غرر الاخبار*، انتشارات کتابخانه حیدریه.

۱۰. قلعه جوقی علی شاهی، ابوالفضل و بقیه. (۱۴۰۱). «بررسی مبانی فقهی لزوم حمایت کیفری از حق تحصیل کودکان»، *مطالعات مقاله پژوهشی، فقهی حقوقی زن و خانواده*.

۱۱. نبوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۷). *حقوق جزای عمومی افغانستان*، انتشارات نشر وازه، کابل، چاپ اول.

۱۲. صادقی میرمحمد، حسین. (۱۴۰۳). *حقوق جزای عمومی (۱) پدیده مجرمانه*، انتشارات دادگستر، تهران چاپ پنجم.

تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین

سارا مالکی‌زاده^۱



چکیده

رسانه‌های بین‌المللی نظیر مطبوعات، تلویزیون و ماهواره‌ها، بر اساس اصل آزادی اطلاعات، ناگزیر به ارائه نقدها، گزارش‌ها و سخنان و انتقال داده‌ها می‌باشند. ممکن است این رسانه‌ها، مطالبی را ارائه کنند که حقوق مخاطبین آن‌ها نادیده گرفته شود؛ به عبارت دیگر با اعمالی از قبیل؛ تهمت و افترا، عدم رعایت مالکیت فکری و معنوی و به طور کلی اضرار مالی، جانی و حیثیتی به افراد وارد گردد. در این میان مسئولیت حقوقی به‌عنوان جبران چنین خسارت‌هایی مطرح می‌شود، که در قوانین بین‌المللی از آن سخن گفته شده است. این مبحث به‌عنوان موضوعی مستقل و خاص در کتب فقهی مورد بحث قرار نگرفته است. این پژوهش می‌کوشد تا علاوه بر مسئولیت مدنی موجود در این باب با توجه به آموزه‌های اسلامی با راهکارهای فقهی به تقویت این مسئله بپردازد. در فقه امامیه قواعدی از جمله قواعد لاضرر (نظریه سوءاستفاده از حق)، منع تغیر و تدلیس، قاعده اتلاف و تسبیب که هر یک تخلفات رسانه‌های بین‌المللی را در قبال مخاطبان‌شان دارای مسئولیت می‌دانند بکارگرفته می‌شوند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده که پس از گردآوری اطلاعات با فیش‌برداری از نکات فقهی مربوط و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس ساختار پژوهش به شرح نظرات فقهی پیرامون مسئله پرداخته می‌شود. **واژگان کلیدی:** مسئولیت، حقوق بین‌الملل، رسانه، فقه امامیه، فرهنگ منطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران. Sara.malekizadeh@ut.ac.ir

مقدمه

در سه دهه اخیر، شاهد تحولات چشمگیری در عرصه رسانه‌های جمعی بوده‌ایم که تأثیرات شگرفی بر ابعاد مختلف زندگی خصوصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی داشته است. این تحولات، توجه ویژه‌ای را از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها به سمت کارکردهای رسانه‌های بین‌المللی جلب کرده است. از سال ۱۹۹۰، سازمان ملل متحد و یونسکو بر مسئله آزادی در رسانه‌ها با تأکید بر تنوع، استقلال و علی‌الخصوص آزادی آنها تمرکز کرده‌اند و رویکردی را ترویج می‌کنند که از سیاست کیفری به سمت توسعه مسئولیت مدنی رسانه‌ها و جبران خسارت متضررین تغییر می‌یابد. در همین راستا، توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های متعددی همراه با شورای اروپا، خواستار غیرجزایی‌سازی جرم افترا و توهین شده‌اند، که از مهمترین عناوین مجرمانه‌ای است که دولت‌ها به بهانه آن، به سرکوب روزنامه‌نگاران و نقض آزادی بیان در مطبوعات می‌پردازند. همچنین در دو دهه گذشته، بسیاری از کشورها به سمت پذیرش مسئولیت مدنی رسانه‌ها و تغییر رویه‌های کیفری حرکت کرده‌اند. این تحول، منجر به بروز مباحث حقوقی جدیدی شد از جمله حقوق مخاطب، که هدف آن تدوین مقرراتی است تا نظارت متفاوتی بر رسانه‌ها اعمال شود و از پیامدهای منفی احتمالی آن‌ها کاسته شود. در این میان، سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که فقه امامیه، قوانین و مقرراتی برای حمایت از حقوق مخاطبین رسانه‌های بین‌المللی ارائه می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌توان به منابع فقهی از جمله آیات قرآن کریم، روایات و قواعد فقهی مراجعه کرد. اگرچه بررسی این موضوع از منظر آیات و روایات نیز قابل توجه است، اما قواعد فقهی به دلیل جایگاه ویژه خود در این پژوهش، مورد توجه قرار گرفته‌اند. فقه اسلامی، قواعد متنوعی را در زمینه مسئولیت مدنی ارائه کرده است که به دلیل عام‌بودن، می‌توان آن‌ها را به حوزه رسانه نیز تعمیم داد. این قواعد، که ریشه‌های مسئولیت مدنی در فقه محسوب می‌شوند، می‌توانند در زمینه‌های مختلف از جمله

تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین ◇ ۷۷

مسئولیت مدنی رسانه‌ها نیز به کار گرفته شوند. در ابتدا ضروری است مفهوم مسئولیت مدنی روشن شود تا قلمرو موضوع مورد بحث نیز به تبع آن معلوم و مشخص گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

در این پژوهش ضوابط و قواعد فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین منطقه‌ای با رویکردی نو در فقه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. قبل از هر چیز مفهوم‌شناسی موضوع ضروری است.

۱-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت است از التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی است که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است (باریکلو، ۱۳۸۷: ۲). بنابراین هر کس به دیگری ضرر بزند، باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است، ناروا و نامتعارف جلوه نکند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳).

موضوع مسئولیت مدنی بر جبران خسارت‌های وارده به افراد، متمرکز است که این خسارت‌ها می‌توانند مادی یا معنوی باشند. قواعد مسئولیت مدنی مشخص می‌کنند که چه نوع خسارت‌هایی قابل جبران‌اند، چه کسی باید این جبران را انجام دهد و روش‌های جبران چگونه است.

۲. مسئولیت مدنی فعالان رسانه‌ای

مسئولیت مدنی در فعالیت‌های رسانه‌ای اغلب به اموری که در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای به موقعیتی اشاره دارد که در آن اگر به دلیل اعمال یک فرد خسارتی به حقوق یا منافع دیگران وارد شود، مشخص می‌کند چه اشخاصی باید بر اساس چه مبنایی و به چه شیوه‌ای ملزم به جبران می‌باشند. برای مثال، نقض مالکیت فکری یا حریم خصوصی افراد در رسانه‌ها، به‌ویژه در رسانه‌های بین‌المللی که می‌تواند به ضررهای مادی و معنوی منجر شود، یکی از نمونه‌های مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های رسانه‌ای است (انصاری، ۱۳۸۷: ۴۱۶).

۳. قواعد فقهی و مسئولیت مدنی در اسلام

قواعد فقهی به‌عنوان احکام کلی در ابواب مختلف فقه عمل می‌کنند و به‌عنوان مبنایی برای استنباط احکام خاص به شمار می‌روند. به‌عنوان مثال، قاعده «لا ضرر» در مواقعی که فرد دچار ضرر می‌شود، مورد استناد قرار می‌گیرد و در زمینه‌های مختلفی نظیر بیع، اجاره و طلاق به کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۲۳). به عبارت دیگر، قواعد فقهی به‌عنوان فرمول‌های کلی، زمینه‌ساز استنباط قوانین خاص هستند و به نوعی مبنای بسیاری از قوانین متنوع فقهی به شمار می‌روند. از سوی دیگر، مسئولیت مدنی در اسلام به‌عنوان مسئولیتی مطلق در نظر گرفته می‌شود که شامل مواردی است که ناشی از تقصیر و حتی مواردی که فاقد تقصیر هستند، می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده جامعیت و گستردگی مسئولیت‌ها در نظام حقوقی اسلامی است، به طوری که هر فرد باید نسبت به اعمال خود و تأثیر آن بر دیگران پاسخگو باشد، خواه این اعمال به صورت عمدی و خواه به صورت غیرعمدی باشد (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲۰۲). بدین ترتیب، قواعد فقهی و مسئولیت مدنی در اسلام به شکل متقابل در فهم و تحلیل مباحث فقهی و حقوقی مؤثر هستند که در واقع شامل فرد دارای تقصیر و فرد فاقد تقصیر می‌شود.

۴. مسئولیت بین‌المللی رسانه‌های جهانی

۴-۱. اصل آزادی اطلاعات

یکی از جلوه‌های حقوقی در رابطه با شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح شده در عرصه رسانه بین‌المللی، تفسیر موسع از گفتمان آزادی اطلاعات می‌باشد. با ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی خصوصاً در حوزه بین‌المللی یکی از نگرانی‌های اصحاب این رسانه‌ها امکان انتشار اطلاعات و نگرانی مخاطبان از امکان دسترسی به اطلاعات صحیح بوده است. لذا می‌توان گفت اصل آزادی اطلاعات بر دو قسم است: یکی آزادی ارسال اطلاعات و دیگری آزادی دریافت اطلاعات. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر این دو حق را چنین توصیف می‌کند که هر کسی

تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین ◇ ۷۹

از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است که این حق شامل آزادی عقیده بدون دخالت و تفتیش، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از طریق هر گونه‌ای از رسانه بدون در نظر گرفتن مرزها می‌شود. بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶ نیز این حق را با این عبارت لازم‌الاجرا می‌کند که «هر کسی باید حق آزادی بیان داشته باشد که شامل آزادی تحقیق، دریافت و انتشار هر گونه اطلاعات و افکار چه به صورت نوشته و چه به صورت هنری و از طریق هرگونه رسانه بدون توجه به مرزهاست».

با این حال باید توجه داشت که این حق با محدودیت‌هایی مواجه است که در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی کشورها مشاهده می‌شود. ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد که در زمان اضطراب عمومی که زندگی ملت و وجود آن مورد تهدید قرار گیرد، دول عضو می‌توانند تدابیری برای انحراف از تعهدات این میثاق در نظر بگیرند. ماده ۱۸ همین میثاق محدودیت آزادی مذهب و اجتماع را در مواردی که برای امنیت عمومی، نظم و سلامت روان خطر داشته باشد امکان‌پذیر دانسته است. دادگاه‌های آمریکا نیز استثناهایی برای آزادی بیان و اطلاعات ذکر کرده‌اند مانند: منع توهین، ایجاد هراس، کاربرد عبارات خصمانه، عبارات رکیک و تحریک به جرم و ایجاد فتنه. (<http://www.csulb.edu/~jvancamp/freedom.html>) لذا همانقدر که تولیدکنندگان برنامه‌های ماهواره‌ای در ارسال اطلاعات آزادند، دولت‌های دریافت‌کننده نیز دریافت نکردن و در دسترس قرار نگرفتن برای مخاطبین را می‌توانند با شرایط خاصی دچار محدودیت کنند.

همچنین طرح آزادی بیان برای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی منتسب به کشورها قابل طرح نیست؛ از آن رو که آزادی بیان به‌عنوان یک حق بشری تنها برای افراد در مقابل دولت‌ها در نظر گرفته شده است و نه حق یک دولت در برابر افراد و یا حق یک دولت در برابر دولتی دیگر (Arthur Larson, ۱۹۹۶, ۴۴۲). لذا نباید فریب این مغالطه را خورد که کشورها می‌توانند در پوشش اصل آزادی بیان به طرح هر گونه بیاناتی علیه مخاطبین یک کشور دیگر و یا یک تفکر در

مکان دیگر بپردازند. علاوه بر این محدودیت باید توجه داشت که اصل آزادی اطلاعات و آزادی ارتباطات باید صحیح و مستند باشند و چنانچه اطلاعاتی به طور کذب برای تشویش اذهان عمومی منتشر شوند با مسئولیت بین‌المللی دولت یا بنگاه سخن‌پراکنی مربوطه همراه خواهد شد.

۲-۴. مبانی مسئولیت بین‌المللی رسانه‌های بین‌المللی

هرگونه تخلف در حقوق بین‌الملل منجر به مسئولیت بین‌المللی می‌شود که متخلف را با چندین تعهد ثانوی مواجه می‌سازد. این تعهدات شامل توقف عمل متخلفانه، اجرای تعهدات بین‌المللی و جبران خسارت می‌باشند. جبران خسارت می‌تواند به شکل‌های مختلفی از جمله بازگرداندن وضعیت به حالت قبلی، پرداخت غرامت، اعتراف به تخلف، ابراز تأسف و یا ارائه

عذرخواهی رسمی صورت گیرد (Convention on Responsibility, ۲۰۰۱, ۳۷)

در مواردی که عمل متخلفانه به نقض یک قاعده آمره مربوط باشد، مانند تحریک به نسل‌کشی یا تجاوز و فتنه از طریق رسانه‌ها، سایر کشورها موظف به عدم توجه و بهادگی به وضعیت نامشروع و عدم حمایت از استمرار آن وضعیت می‌شوند و همچنین باید همکاری کنند تا به خاتمه این وضعیت کمک نمایند (Draft Convention on Responsibility, ۲۰۰۱, ۴۱).

در زمینه رسانه‌های بین‌المللی، این تعهدات می‌تواند شامل تقبیح عمل متخلف و قطع کمک‌های مالی و معنوی به رسانه مربوطه باشد. علاوه بر تعهدات عمومی مانند رعایت حقوق مالکیت فکری و معنوی، رسانه‌های بین‌المللی متعهد به رعایت برخی الزامات خاص نیز هستند. به عنوان مثال، کنوانسیون استفاده از پخش برنامه به منظور ایجاد صلح که در سال ۱۹۳۶ به تصویب ۱۹ کشور رسید، کشورهای عضو را از مداخله رسانه‌ای در امور یکدیگر و تحریک مخاطبان منع می‌کند. نقض این تعهدات می‌تواند هم به عنوان نقض تعهد عمومی و هم به عنوان نقض تعهد خاص تلقی شود.

با این حال، در برخی موارد، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا صلاحیت خود را برای انجام اقداماتی که خارج از سرزمین آن‌ها صورت می‌گیرد، اعمال کنند، علی‌الخصوص اگر این اقدامات برای

تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین ◇ ۸۱

امنیت ملی و نظم عمومی تأثیرگذار باشند. اگرچه مسئولیت بین‌المللی کشورهایی که از رسانه‌های متخلف حمایت می‌کنند وجود دارد، اما یکی از چالش‌های عمده در این حوزه، ابهام در ماهیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی است. برقراری ارتباط بین یک رسانه و یک دولت می‌تواند بسیار پیچیده و دشوار باشد. تنها در صورتی که وابستگی یک رسانه به یک دولت به اثبات برسد، نظام حقوقی مسئولیت بین‌المللی می‌تواند اجرا شود. اما مشکل اساسی زمانی بروز می‌کند که چنین انتسابی غیرممکن باشد (David Hemmings Pritchard, ۲۰۰۰, ۸).

۳. راهکارهای فقهی مسئولیت مدنی رسانه‌های بین‌المللی

۳-۱. قاعده لاضرر و «نظریه سوءاستفاده از حق»

قاعده لاضرر و نظریه سوءاستفاده از حق به‌عنوان اصولی بنیادی در بنیان فقهی حقوقی، تأکید بر احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران دارند. این دو مفهوم به‌عنوان مرزهایی برای استفاده از حقوق فردی و اجتماعی به شمار می‌روند. قاعده اضرار به دیگران، که به‌عنوان خط قرمز در استفاده از حقوق شناخته می‌شود، در سیستم‌های حقوقی مختلف تحت عنوان منع سوءاستفاده از حق شناسایی شده است. در فقه امامیه، قاعده لاضرر به‌عنوان یکی از اصول مهم از قرن‌ها پیش مطرح شده و فقها به آن استناد کرده‌اند. در حالی که نظریه سوءاستفاده از حق در نظام حقوقی فرانسه بیشتر از رویه قضایی ناشی می‌شود و سابقه تاریخی کمتری دارد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

در فقه امامیه، مفهوم سوءاستفاده از حق به‌عنوان نتیجه قاعده لاضرر، از چهارده قرن پیش وجود داشته و مورد کاربرد فقها قرار گرفته است. هرچند در مورد نقش قاعده لاضرر در اثبات خسارت اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما جایگاه این قاعده در منع سوءاستفاده از حق غیرقابل انکار است. قاعده لاضرر نه تنها در عبادات بلکه در معاملات نیز کاربرد دارد و شامل ضررهای مادی و بدنی می‌شود. در خصوص ضررهای معنوی، بحث‌هایی وجود دارد که آیا می‌توان

جبران این ضررها را از طریق قاعده لاضرر مطالبه کرد یا خیر. برخی حقوق‌دانان و فقها بر این باورند که در قضیه سمره بن جندب فزاری، صدور حکم اغلب برای رفع نیازهای معنوی و جلوگیری از مزاحمت‌ها بوده است. در مقابل، برخی دیگر از فقها اعتقاد دارند که ضررهای معنوی نیز تحت عنوان هتک حرز مشمول این قاعده می‌شود و حدیث نبوی نیز به این موضوع اشاره دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

۲-۳. منع تغیر و تدلیس

در مبحث منع تغیر و تدلیس، واژه «غرور» به معنای فریب و خدعه است. تغیر به عملی اطلاق می‌شود که باعث می‌شود فردی به اشتباه و فریب دچار شود. بر اساس این قاعده، اگر عمل فریب‌آمیز کسی منجر به زیان به دیگری شود، فرد فریب‌دهنده موظف است خسارت وارده را جبران کند، مشروط بر اینکه آسیب دیده از واقعیت ناآگاه باشد (حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ۴۴۰). بنابراین، اگر کسی از طریق عمل یا گفتار خود فردی را فریب دهد و موجب ضرر او شود، فرد مغرور حق دارد به فریب‌دهنده مراجعه کرده و تمام خسارات و غرامات را از او مطالبه کند (بجنوردی، ۱۴۰۲ق: ۲۳۳).

در زمینه فعالیت‌های رسانه‌ای، به‌ویژه در خصوص انتشار تبلیغات و اخبار نادرست، قاعده غرور به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مطرح می‌شود. این قاعده نشان می‌دهد که انتشار اطلاعات نادرست می‌تواند به اعتماد مخاطب به رسانه آسیب بزند و آن را به اقداماتی وادارد که در نهایت منجر به خسارت و زیان مالی یا معنوی می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۸: ۲۲۲). در این شرایط، رسانه‌ای که اطلاعات نادرست را منتشر کرده، می‌تواند بر اساس قاعده غرور مسئول جبران خسارت باشد. البته که برای احراز مسئولیت رسانه در این زمینه، نیاز به اثبات علم و قصد آن به نادرست بودن اطلاعات نیست. لذا تبلیغاتی که بر پایه فریب و سوءاستفاده از اعتماد افراد طراحی شده‌اند، به طور طبیعی موجب مسئولیت فریب‌دهنده خواهند شد. به عبارت

تحلیل و بررسی فقهی مسئولیت حقوقی رسانه‌های بین‌المللی در برابر مخاطبین ◇ ۸۳

دیگر، این نوع تبلیغات نه تنها به اعتبار رسانه آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند به زیان مخاطب نیز بینجامد. در نهایت، این مسأله نشان‌دهنده اهمیت رعایت اخلاق رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی در زمینه اطلاع‌رسانی صحیح است.

۳-۳. قاعده اتلاف و تسبیب

به موجب قواعد فقهی و احادیث، هر فردی که موجب تلف مال دیگری شود، چه با قصد و چه بدون قصد، مسئول جبران خسارت ناشی از آن است. این قاعده که به‌عنوان «قاعده اتلاف» شناخته می‌شود، به وضوح در کتب فقهی مطرح شده و بر اساس جمله معروف «من اتلف مال الغیر و هو له ضامن» استوار است. به همین دلیل، این قاعده شامل تمامی مواردی است که منجر به تلف اموال می‌شود و به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مسئولیت مدنی تلقی می‌گردد.

قاعده تسبیب نیز به این معناست که اگر شخصی به هر نحو باعث تلف مال دیگری شود، مسئولیت جبران خسارت بر عهده اوست. برخی از فقها، اتلاف و تسبیب را به‌عنوان دو قاعده مستقل در نظر می‌گیرند و به تفکیک موجبات ضمان آن‌ها پرداخته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۴). اما دیگران بر این عقیده‌اند که اتلاف می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (به واسطه) باشد (شهیدثانی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۶۲؛ حسینی المراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۳۵) و در این صورت، قاعده تسبیب به‌عنوان فرعی از قاعده اتلاف شناخته می‌شود.

در این زمینه، بین فقهای امامیه و عامه هیچگونه اختلافی وجود ندارد و حتی در برخی موارد، ادعای اجماع در مورد این قواعد مطرح شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۳۴). تعریف قاعده اتلاف به وضوح بیانگر این است که هر فردی که مال دیگری را تلف کند، موظف است که آن را جبران کرده و یا معادل آن را به صاحبش پرداخت نماید (شهابی خراسانی، ۱۳۳۲: ۹۰).

نکته حائز اهمیت این است که ایجاد علتی که منجر به تلف می‌شود، به شرطی که رابطه سببیت را قطع نکند، مانع از تحقق عنوان اتلاف نخواهد بود (رشتی، ۱۳۳۲، ۲۹). به‌عنوان

مثال، اگر کسی آتش افروزد و این آتش خسارتی به بار آورد، همچنان موضوع تحت عنوان اتلاف قرار می‌گیرد. فقها این نوع اعمال را افعال تولیدیه می‌نامند. به‌عنوان مثال، وقتی رسانه‌های بین‌المللی اقدام به انتشار تصاویر خصوصی یک شخصیت مشهور می‌کنند، این رسانه‌ها به‌عنوان مسئول مستقیم و بلاواسطه در نظر گرفته می‌شوند. این موارد نشان‌دهنده اهمیت و شفافیت قواعد اتلاف و تسبیب در نظام حقوقی و فقهی است.

نتیجه‌گیری

مقررات و اسناد بین‌المللی بر اساس اصل آزادی اطلاعات حق انتشار مطالب را دارا می‌باشند ولی در صورت ایجاد هرگونه خسارت در هر یک از مخاطبین خود مسئولیت حقوقی جبران خسارت را بر عهده دارند، در فقه امامیه قواعدی وجود دارد که هر یک از تخلفات ناشی از رسانه‌های بین‌المللی را در قبال مخاطبان نشان‌دارای مسئولیت می‌نماید از جمله قواعد لاضرر (نظریه سوءاستفاده از حق)، منع تغریر و تدلیس، قاعده اتلاف و تسبیب. هر یک از این قواعد به‌عنوان راهکارهایی فقهی برای مسئولیت مدنی رسانه‌های بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرد. این پژوهش به نتایج زیر رسیده است:

۱. هر کسی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است که این حق شامل آزادی عقیده بدون دخالت و تفتیش، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از طریق هر گونه رسانه‌ای بدون در نظر گرفتن مرزها می‌شود. محدود شدن آزادی اجتماعی را در مواردی که برای امنیت عمومی، نظم، سلامت و وجدان خطر داشته باشد وضع قانون، امکان‌پذیر دانسته است. دادگاه‌های آمریکا نیز استثناهایی برای آزادی بیان و اطلاعات ذکر کرده‌اند: مانند منع توهین، ایجاد هراس، کاربرد عبارات خصمانه، عبارات رکیک و تحریک به جرم و ایجاد فتنه.

۲. هرگونه نقض قوانین بین‌المللی به مسئولیت بین‌المللی منجر می‌شود که متخلف را با چند تعهد ثانوی مواجه می‌کند. این تعهدات شامل توقف عمل متخلفانه، اجرای تعهدات بین

المللی و جبران خسارت است. جبران خسارت می‌تواند به شکل اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و اقرار به تخلف صورت گیرد.

۳. یکی از مهمترین اصول در استفاده از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران است. قاعده اضرار به دیگران به‌عنوان خط قرمز در استفاده از حقوق شناخته می‌شود و در نظام‌های حقوقی تحت عنوان منع «سوءاستفاده از حق» به رسمیت شناخته شده است. این قاعده به طور عمومی شامل ضررهای مادی و معنوی می‌شود و در موارد مختلف قابل اجراست.

۴. در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای، به‌ویژه در مورد پخش تبلیغات و اخبار نادرست، قاعده غرور یکی از بارزترین مصادیق را دارا است. پخش اطلاعات نادرست می‌تواند مخاطب را به اقداماتی وادار کند که در نهایت منجر به زیان و خسارت شود. از این رو، رسانه‌ای که به چنین اقداماتی مبادرت ورزد، می‌تواند بر اساس قاعده غرور مسئول جبران خسارت وارده به مخاطب باشد. در زمینه ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب، میان فقهای امامیه و عامه توافق وجود دارد و حتی در این زمینه ادعای اجماع نیز شده است. به‌عنوان مثال، اگر رسانه‌های بین‌المللی اقدام به انتشار تصاویر خصوصی یک شخصیت مشهور نمایند، آن رسانه به طور مستقیم و بدون واسطه مسئول شناخته می‌شود.

منابع و مأخذ



۱. انصاری، باقر. (۱۳۸۷). حقوق ارتباط جمعی، انتشارات سمت، تهران: چاپ دوم.
۲. باریکلو، علیرضا. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی، نشر میزان، تهران: چاپ دوم.
۳. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۴. حسینی المرآغی، میرعبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۸ق). العناوین الفقهیه، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ هشتم.
۵. رشتی، میرزا حبیب‌الله. (۱۳۳۲). رساله فی الغصب، تهران، بی‌جا، چاپ اول.
۶. شهابی خراسانی، محمود. (۱۳۳۲). قواعد فقه خلاصه تقریر و درس، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۸). قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرار داد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۹. لجبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی). (۱۴۱۶). مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ پنجم.

منابع و مأخذ ◇ ۸۷

۱۰. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۰). قواعد فقه، بخش مدنی (۲)، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
۱۱. مکارم شیرازی ناصر. (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه، قم: انتشارات مدرسة الإمام أمير المومنین عليه السلام، چاپ اول.
۱۲. موسوی بجنوردی، محمد. (۱۴۰۲ق). قواعد فقهیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه و موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
۱۳. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

منابع انگلیسی

۱۴. Arthur Larson, (۱۹۶۶). The Present Status of Propaganda in International
۱۵. Arthur Larson, The Present Status of Propaganda in International Law, Law and Contemporary Problems, Vol. ۳۱, No. ۳, ۱۹۶۶, p. ۴۴۲
۱۶. David Hemmings Pritchard, Holding the media accountable: citizens, ethics, and law, Indian University Press, ۲۰۰۰.
۱۷. <http://www.csulb.edu/~jvancamp/freedom.html>
۱۸. JN Commission Human Rights (۱۹۹۸), Right to Freedom of Opinion & Expression Commission on Human Rights Resolution Res. E/CN/۱۹۹۸/۴۲, Para
۱۹. Wrongful Acts, ۲۰۰۱ - G.A Resolution ۲۵۲۶ (۱۹۷۰), General Assembly Res. ۱۵۱۴ (۱۹۶۰).